

با دانشجویان محصور در دانشگاه شریف به‌شدت برخورد شد

شب غبار آلود «شریف»

بسج دانشجویی دانشگاه شریف: برخورد خشن و قهرآمیز با دانشجویان عمیقاً و قویا محکوم است

رئیس دانشگاه شریف: حضور نیروهای غیردانشجوی امنیتی خارج از دانشگاه تصمیمی بیرونی توسط نهادهای مربوطه بوده است

صفحه ۲

سرمقاله

درد مزمن تورم



هادی حق شناس
تجلیلگر اقتصادی

تورم بالا یکی از مهم‌ترین علائم بیماری در اقتصاد است. در واقع نشانه تورم بالا در اقتصاد به‌منابه تب یا عفونت است که می‌تواند اثبات کند فردی دچار بیماری شده . اقتصاد ایران سال‌های سال است که گرفتار تورم بالا است و این نشان می‌دهد که بیماری مزمن شده و چنانچه به صورت اساسی و اصولی درمان نشود، می‌تواند بحران آفرین باشد.

متأسفانه سال‌های سال است که ریشه‌های بحران در اقتصاد کشور چاره‌اندیشی نشده‌اند و دولت‌ها به صورت مقطعی و کوتاه‌مدت مسائل را رفع و رجوع کرده‌اند و به همین دلیل مشکلات ساختاری حل نشده و به صورت مزمن درآمده‌اند. تورم بالا ازجمله این موارد است و نکته‌ای که درباره تورم بالای اقتصاد ایران می‌توان گفت، این است که نرخ بالای تورم ناشی از افزایش تقاضای کالا و خدمات نیست و هم‌زمان با کاهش قدرت خرید و کاهش تقاضای کالا و خدمات، رشد تورم رخ می‌دهد که این مسئله وخامت شرایط تورمی را می‌رساند. درواقع باید گفت که اقتصاد ایران از شرایط تعادل خارج شده و راه‌حل موقت دولت‌ها برای حل مقطعی مشکلات‌شان چاپ پول بوده که به تشدید بحران دامن زده است.

از نظر من مهم‌ترین عامل تورم مزمن در اقتصاد ایران، بهره‌وری پایین است. شما می‌بینید که براساس اعلام مراجع رسمی کشور، میانگین رشد نرخ بهره‌وری در چهار دهه گذشته صفر بوده است. از سوی دیگر بررسی کنید که با وجود شش برنامه توسعه برای کشور، چند درصد این برنامه‌ها محقق شده است؟ بسیار غم‌انگیز است که بگوییم میزان تحقق این برنامه‌های توسعه هرگز بیشتر از ۳۲ تا ۳۳ درصد نبوده است؛ بنابراین باید گفت که تورم محصول همین بی‌برنامگی‌ها و بهره‌وری پایین در تمام بخش‌های اقتصادی و ارکان اجرایی است. درواقع باید گفت بی‌برنامگی و ادعاهای غیرعلمی در عرصه سیاست‌گذاری اقتصاد کشور به حدی است که دولت سیزدهم در ادعایی اعجاب‌آور اعلام کرد که حذف ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی فقط چهار قلم کالا را گران می‌کند! این تنها یک مثال از بی‌شمار اشتباهات اجرایی است که در عرصه اقتصاد وجود داشته و نشان می‌دهد فهم سیاست‌گذاران از اقتصاد کشور تا چه حد است؟ بنابراین وقتی مطالعه و فهم از اقتصاد در این سطح است، نباید انتظار داشت که در اقتصاد کشور معجزه رخ دهد.

باید اشاره کرد که راه‌حل برون‌رفت از این شرایط تصمیمات سخت است که سیاست‌گذاران حاضر به اتخاذ آن نیستند. به همین دلیل است که می‌بینیم تصمیمات مقطعی مانند افزایش قیمت نان یا بنزین و ارز و... در کوتاه‌مدت کار می‌کند و در بلندمدت مشکل باقی می‌ماند و در هر همان پاشنه می‌چرخد. متأسفانه باید گفت که این مشکلات مزمن و حل‌نشده اقتصاد سبب شده که خروج سرمایه از ایران شدت بگیرد و ظرف اقتصاد مدام کوچک و کوچک‌تر شود. این در حالی است که شاهدیم کشورهای همسایه و حتی کشورهای کوچکی مانند قطر، جمهوری آذربایجان، امارات و... مدام در حال جذب سرمایه خارجی هستند؛ اما این روند در ایران معکوس شده و روزبه‌روز شاهد خروج بیشتر سرمایه از کشور هستیم. بنابراین وقتی نرخ رشد سرمایه‌گذاری منفی باشد و اقتصاد مولد نیست، نمی‌توان انتظار افزایش اشتغال و تقویت عرضه را داشته باشیم و به تبع آن تورم صعودی خواهد شد. در حقیقت در اقتصاد غیرمولد شغل بیشتر و درآمد بیشتر وجود ندارد؛ در نتیجه قدرت خرید مردم پایین است و از آن سمت عرضه کالا و خدمات نیز پایین بوده و باعث تورم می‌شود. این خلاصه وضعیتی است که می‌شود برای شرایط اقتصادی کشور و دلایل صعودی‌بودن نرخ تورم ترسیم کرد و باید گفت تا وقتی ریشه‌ها درمان نشوند، اقتصاد کشور رو به بهبودی نخواهد رفت. با این اوصاف باید گفت که اقتصاد ایران برای نجات از تورم مزمنی که گرفتار آن است، چاره‌ای ندارد جز آنکه بهره‌وری را در تمام بخش‌های اقتصادی بالا ببرد و سرمایه خارجی جلب کرده و با تسهیل شرایط کسب‌وکار مانع از خروج سرمایه از کشور شود تا بتواند ضمن تقویت تولید و بخش عرضه، اشتغال نیز ایجاد کرده و توان خرید مصرف‌کننده را نیز افزایش دهد که با توجه به شرایط موجود و گرفتاری‌های مناسبات روابط خارجی تقریباً ممکن به نظر نمی‌رسد.

خانواده محترم حیدری

ضایعه درگذشت عموی بزرگوارتان را خدمت شما

تسلیت عرض کرده، آرزوی مبرر برای شما و غفران و

رحمت الهی برای آن مرحوم از ایزدمنان خواستارم.

غلامحسین جلالی‌فرد



سه‌شنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۱ • ۷ ربیع‌الاول ۱۴۴۴ • ۴ اکتبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۳۸۷ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

در «شرق» امروز می‌خوانید: زنان افغان قربانی می‌شوند تا سازمان‌های خیریه پولدار شوند؟، رقابت نزدیک رؤسای جمهور فعلی و سابق برزیل در دور اول انتخابات ریاست‌جمهوری و **یادداشت‌هایی از** محمود معتقدی، قادر باستانی

قدرت خرید کارگران دیگر کفاف خرید و اجاره خانه در پایتخت را نمی‌دهد

تنگنای شدید اجاره‌بها

گزارش تیریک را در صفحه ۴ بخوانید



گفت‌وگو با مسعود جعفری جوزانی درباره وضعیت سینما، انحصارگرایی و رانت

در ستایش حرمت‌ها

گزارش تیریک را در صفحه ۴ بخوانید

یادداشت

دوگانه قانون و قانون اساسی



کوروش الماسی

درباره وقایع اخیر، دلسوزان، منتفعین، بدخواهان و... داخلی و خارجی، انبوهی از اظهارنظرها و تحلیل‌ها را از زوایای گوناگون ارائه کرده‌اند. این موج تلاش دارد تا وقایع اخیر را که ظاهراً در چند سال اخیر بارها پدیدار شده‌اند، در سطحی کاربردی و عمیق‌تر درک و تحلیل کند. یادآوری یک امنیت، رفاه، توسعه، عدالت، آزادی، اخلاق و... از دستاوردهای «امر بدیهی» بر بیراه نیست؛ اینکه یگانه و اصلی‌ترین وجه تمایز انسان از دیگر موجودات «خرد» است. به بیانی، آramش، امنیت، رفاه، توسعه، عدالت، آزادی، اخلاق و... از دستاوردهای اجتناب‌ناپذیر «فعلیت خرد انسانی» است. اینکه «زیست انسانی منهای خرد، سراسر خشونت و ناامنی خواهد بود». بدون هیچ قیدی، آramش و امنیت اجتماعی، تابع و برابند کیفیت نظم حقوقی مستقر در یک جامعه است. اگرچه مبحث قانون و قانون اساسی بسیار فراتر از توان و مجال یک موجز است، با این وجود، تبیین بسیار کلی و مختصر از مفاهیم قانون و قانون اساسی ارائه می‌شود.

قانون؟ از نظر مفهومی معطوف به وضعیتی است که در آن، «شرایطی خاص یک عامل (انسانی یا از هر نوعی) را مقید به شکل خاصی رفتار کند یا اساساً به شکل خاصی باشد». برای مثال، عناصر تشکیل‌دهنده یک میز، یک ماشین، یک ساختمان و... ملزم به رفتار مشخص و تعیین‌شده هستند، به عبارتی، باید به شکل خاصی کنار هم قرار بگیرند. یا برای اینکه یک فرد انسانی یک هدف خاص را محقق کند، الزاماً باید به یک شیوه منظم و بر طبق یکسری قواعد و اصول رفتار کند. یا حرکت و هستی یک جسم آسمانی تابع یکسری قواعد فیزیکی است. یا قیود عنصر در یک ساختار شیمیایی ملزم به رفتار طبق یکسری قواعد شیمیایی است. یا به‌منظور موفقیت در شکار یک ببر، شیر، پلنگ و... الزاماً و به ضرورت باید به یک شکل قاعده‌مند رفتار یا عمل کنند. یا برای تولید یک کالای صنعتی، مدیران و نیروهای یک واحد صنعتی الزاماً باید به شکل قاعده‌مندی رفتار کنند. یا به‌منظور تحقق عدالت، آramش، رفاه، امنیت و پرچیدن فقر، ظلم، درد و رنج و... اجتماعی، مدیریت شهری، استانی و کشوری، الزاماً و به ضرورت باید به شیوه قانون‌مند رفتار و عمل کنند و...

بنا بر تعریف فوق از چستی مفهوم و پدیده قانون، کارکرد قانون در عرصه اجتماعی، «تنظیم و هدایت همکاری» اعضای یک گروه، شهروندان یک جامعه، نیروهای یک نهاد اقتصادی، آموزش، دفاعی و... به‌منظور تحقق اهداف مشترک است. پرسشی که پاسخ به آن ضروری است این است که چرا شهروندان به «منظور همکاری»، خود را مقید به پذیرش و تبعیت از قانون می‌کنند؟ «همکاری» میان شهروندان (انسان‌ها) بنیاد و شالوده مدنیت است، به بیانی بسیار کلی، «موجود انسانی به عنوان یک پدیده کاملاً اجتماعی و نه طبیعی، دستاورد مستقیم همکاری اجتماعی است».

ادامه در صفحه ۵

نگاهی به اعتراضات مدنی در گفت‌وگو با جلال ساداتیان

سیاسی باشیم اما سیاست‌زده نباشیم

شرق: اعتراضات اخیر در کشور تفاوت‌های جدی و معناداری با ادوار پیشین دارد که مهم‌ترین آن به حضور پررنگ قشر جوان و حتی نوجوان بازمی‌گردد. در این بین حضور پررنگ دانشگاه و دانشجویان هم جای تأمل دارد. اگرچه به دلیل خاصیت و ماهیت دانشگاه اساساً دانشجویان نمی‌توانند نسبت به تحولات جاری در جامعه...

صفحه ۲

واکنش اعضای شورای شهر تهران به جابه‌جایی مدیران در شهرداری تهران

صندلی بازی در بهشت

گزارش تیریک را در صفحه ۴ بخوانید

موانع وکلا برای ورود به

پرونده بازداشتی‌های اخیر

گزارش تیریک را در صفحه ۴ بخوانید

صراحت سروش خاموشی تاج

گزارش تیریک را در صفحه ۴ بخوانید

شکست پرسپولیس در هفته هفتم رقابت‌های لیگ برتر فوتبال ایران تبعات زیادی دارد؛ این تیم که در خانه میزبان رقیب تیریزی بود، در روزی که اصلاً نشانی از قدرت همیشگی‌اش نداشت، بازی را بعد از مدت‌ها واکذار کرد تا سه امتیاز را از کف بدهد. با این حال، نه شکست پرسپولیس بلکه اظهارات سروش رفیعی، بازیکن شیرازی این باشگاه و البته یحیی گل‌محمدی سرمربی این تیم، پس از بازی، حسایی خبرساز شده است. هر دو در کنار دیگر بازیکنان و اعضای کادر فنی پرسپولیس اعتقاد داشتند که فوتبال اصلاً برایشان اهمیت نداشته و مهم نیست که چه نتیجه‌ای رقم خورده است. پس حرف‌های این دو چهره پرسپولیسی، کدهای زیادی نهفته است که یحیی از آن به‌عنوان یک اتفاق غیرطبیعی که نمی‌تواند درباره‌اش حرف بزند، یاد کرد و سروش رفیعی هم با اشاره به زنگ‌ها و فراخوان‌هایی که صورت گرفته، کمی به حل‌کردن معمای موجود کمک کرده است. سروش رفیعی، هافبک خلاق باشگاه پرسپولیس بعد از بازی با تراکتور در میکسدورن روبه‌روی خبرنگاران ایستاد.

این گزارش را در صفحه ۳ بخوانید

● عکس: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای فرمانده معظم کل قوا صبح دیروز (دوشنبه) در مراسم مشترک دانش آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح در سخنان مهمی با اشاره به حوادث اخیر تأکید کردند: با صراحت می‌گویم این حوادث طراحی آمریکا، رژیم صهیونیستی و دنباله‌روهای آنهاست.

مشکل اصلی آنها با ایران قوی و مستقل و پیشرفت کشور است. ملت ایران در این حوادث کاملاً قوی ظاهر شد و در آینده نیز هرگاه که لازم باشد، شجاعانه وارد میدان خواهد شد. رهبر انقلاب اسلامی در ابتدای ورود به میدان با حضور بر مزار شهیدان گمنام و قرائت فاتحه، به دلبران و قهرمانان دفاع از اسلام و ایران درود فرستادند. فرمانده کل قوا سپس از یگان‌های حاضر در میدان سان دیدند. رهبر انقلاب اسلامی در این مراسم در سخنان مهمی درباره حوادث اخیر کشور گفتند: در این حوادث بیش از همه به سازمان نظامی کشور و به بسیج و به ملت ایران ظلم شد. البته ملت ایران در این حادثه نیز همچون حوادث دیگر کاملاً قوی ظاهر شد و در آینده هم به همین صورت خواهد بود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید کردند: در آینده نیز هر جا که دشمنان بخواهند اختلالی ایجاد کنند، آنکه بیش از همه سینه سپر خواهد کرد، ملت شجاع و مؤمن ایران است.

این گزارش را در صفحه ۳ بخوانید

گزارش تیریک را در صفحه ۴ بخوانید

گزارش تیریک را در صفحه ۴ بخوانید

یادداشت

گزارش تیریک را در صفحه ۴ بخوانید

با مرکز استراتژیک ریاست‌جمهوری همکاری داشته، تصویری از وضعیت اقتصادی و تأثیرات تحریم‌ها بر مؤلفه‌های اقتصادی و زندگی و کار و کسب مردم آن‌هم به نقل از یک نهاد رسمی حاکمیتی (مرکز پژوهش‌های مجلس) ارائه می‌دهد که بسیار هشداردهنده و متفاوت با تصویر آقای رئیسی است. تصویری که به‌خوبی می‌توان بخشی از علل بروز حوادث اخیر را در آن دید. از جمله آنکه «ما در طول دهه ۹۰ یک افول اقتصادی وحشتناک را تجربه کردیم. این افول در حدی است که اگر تا سال ۱۴۰۵ سالی هشت درصد رشد اقتصادی داشته باشیم، تازه به جایی می‌رسیم که سال ۹۰ بودیم و این غیرممکن است! این جامعه ۶۰ درصد شاغلانش پوشش بیمه ندارند. این جامعه دچار ۱۸،۴ درصد فقر مطلق است، یعنی از هر پنج نفر، یکی در فقر مطلق به سر می‌برد و... همین جامعه در ۱۰ سال گذشته میزان برخورداری نرئومندترین دهک به فقیرترین دهکش از ۱۱ برابر شده ۱۴ برابر؛ یعنی نابرابری هم گسترش یافته است... در جایی داریم زندگی می‌کنیم که در فاصله سال‌های ۸۰ تا ۹۷، در سال ۱۳۸۰، ۸۰ درصد تجارت ما ۲۳ کشور بوده است. رسیدیم به جایی که در سال ۵۴،۹۷ درصد تجارت کشور با سه کشور بوده است (چین، عراق، امارات)... از نظر اقتصادی به مردم فشار آمده است، درحالی‌که جمعیت کشور ۱۰ میلیون افزایش یافته، ۴۰ درصد درآمد سرانه‌اش را از دست داده است. میانگین تورم در جهان در سال ۲۰۱۸، ۲،۴ درصد بوده و تورم بلندمدت ایران ۲۰ درصد بوده و فقط سه کشور ونزوئلا، زیمبابوه و آرژانتین تورم بیشتری داشته‌اند» (محمد فاضلی، برنامه شیوه، ۷/۴)

۲- سویی دیگر مسئله، نوع نگاه جامعه به مسائل و مشکلات امروز کشور است. متأسفانه در جریان اعتراضات اخیر چنین تصور می‌شود که می‌توان با یک حرکت اعتراضی، تغییرات ساختاری را در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی سامان داد. چنین فرضی اشتباه است و جز به هرچه بحرانی‌تر شدن وضعیت فعلی

۱- آقای رئیسی در گفت‌وگوی اخیر خود با صداوسیما ضمن اشاره به دیدارها و ملاقات‌های خود با سران کشورهای مختلف در سفر به نیویورک و «رغبت بسیار زیاد» این کشورها برای فعالیت اقتصادی و همکاری و تعامل با ایران، از گزارش خانم پزشک شیرازی مقیم آمریکا سخن گفت که «با تکیه بر آمارهای بانک جهانی، پیشرفت‌های جمهوری اسلامی را با پیشرفت‌های کشورهای اروپایی مقایسه می‌کرد که در همه شاخص‌ها حکایت از پیشرفت‌های جمهوری اسلامی ایران می‌کرد که علی‌رغم تحریم‌ها به دست آمده است». ایشان در ادامه گفتار خود نیز بر «فعال‌بودن حوزه‌های تجاری و اقتصادی» تأکید داشت و اینکه «صدها واحد تولیدی نیمه‌فعال و تعطیل به چرخه تولید بازگشتند و همه اینها برای این است که فضای کشور، امروز فضای کار و تلاش و تولید

است، دشمن هم این را می‌بینید و به همین دلیل فتنه‌گری می‌کند تا کشور را دچار اختلال کند که این اتفاق نخواهد افتاد». ضمن اینکه نمی‌توان این ادعاها و تصاویر ارائه‌شده را رد کرد و با منفی‌بافی، منکر واقعیت حرکت اقتصادی و اجتماعی کشور شد. اما تصویری یکسره مثبت و بانشاط نشان‌دادن از وضعیت امروز جامعه ایران نیز صحیح نیست. چنانکه یکی، دو شب قبل از سخنان آقای رئیسی، در همان صداوسیما، یک کارشناس برجسته جامعه‌شناسی که مدت‌ها

با دانشجویان محصور در دانشگاه شریف به شدت برخورد شد

شب غبار آلود «شریف»

بسپج دانشجویی دانشگاه شریف: برخورد خشن و قهرآمیز با دانشجویان عمیقاً وقویا محکوم است

رئیس دانشگاه شریف: حضور نیروهای غیردانشجوی امنیتی خارج از دانشگاه تصمیمی بیرونی توسط نهادهای مربوطه بوده است



وحدیه کریمی: دود، آتش و گاز اشک‌آور، صدای تیراندازی و فریاد کمک‌خواستن دانشجویان همه آن چیزی بود که تهران را یکشنبه‌شب در آغوش گرفت و پدران و مادرانی نگران را به

دانشگاه و خیابان آزادی کشاند تا راه نجاتی باز شود برای نخبه‌های علمی کشور که در آنجا گرفتار شده بودند. بن‌بستی که نه رئیس دانشگاه و استادان توانستند آن را مهار کنند و نه حضور

وزیر علوم توانست راه‌حلی برای نجات دانشجویان شریف باشد. وزیر علمی که آمدنش برای نجات دانشجویان از نیامدش بدتر بود و در جمع دانشجویان زبان به تحقیر و تهدید گشود

تا جایی که رئیس دانشگاه شریف مجبور شد میانداری کند و برای حمایت از دانشجویان زبان بگشاید.

در بخشی از بیانیه آمده است: «جناب آقای وزیر، حضور بی‌ضابطه و رب‌آور جمعی از نیروهای امنیتی در اطراف دانشگاه صنعتی شریف، صحنه‌هایی تأسف‌آور و نگران‌کننده را رقم زد و بی‌تردید این حضور بی‌ملاحظه بر تصمیم‌های دانشجویان تأثیر منفی داشت. در این شرایط، دانشجویان دانشگاه شریف با وجود برخورد‌های خشن و قهرآمیز با دانشجویان را عمیقاً و قویاً محکوم می‌کند و از شما انتظار دارد قاطعانه نسبت به جلوگیری از تکرار چنین اتفاقات تلخی در فضای دانشگاه شریف و سایر دانشگاه‌های کشور اقدام کنید. حداقل انتظار ما از شما علاوه بر تضمین جلوگیری از تکرار چنین وقایعی، دلجویی از دانشجویان و اساتید دانشگاه شریف و جبران خسارت معنوی عظیمی است که امروز بر دانشگاه صنعتی شریف وارد شد».

البته وزارت علوم همچنان در مرحله توجیه عدم حمایت خود از دانشجویان در دانشگاه است. علی شمس‌ی‌پور، سخنگوی وزارت علوم، در نشست با خبرنگاران در توجیه حضور نیروهای امنیتی و قراردادن دانشجویان در بن‌بست، در مورد فیلم‌هایی‌که از برخورد با دانشجویان در پارکینگ نزدیک دانشگاه منتشر شده است، گفت: این پارکینگ متعلق به دانشگاه نیست و پارکینگ عمومی است، احتمال دارد افرادی هم که در پارکینگ هستند، دانشجو نباشند. او مدعی شده که «فضا با حضور وزیر علوم به‌تدریج آرام شد. وزیر علوم اعلام کرد پیگیر آزادی دانشجویان است و تذکر داد قواعد و قوانین کشور باید رعایت شود، حرمت‌ها باید حفظ شود و ساختارهای قانونی را رعایت کنیم و بعد از دو ساعت دانشگاه را ترک کرد».

این سخنان در حالی مطرح می‌شود که حتی جلیلی، رئیس دانشگاه شریف هم خود را از اتهام همکاری با نیروهای امنیتی برای تسهیل ورود آنها به دانشگاه برای مواجهه با دانشجویان معترض میرا دانسته و حضور امنیتی‌ها را تحمیل به دانشگاه عنوان کرده است. هرچند رفتار او در مواجهه با نیروهای امنیتی به خالی‌کردن پشت دانشجویان که بعضاً همگی جزء معترضان هم نبودند و از بد روزگار در دانشگاه مواجه با گاز اشک‌آور و تیرهای ساچمه‌ای شده بودند، تشبیه شده است. البته رئیس دانشگاه شریف در بیانیه‌ای که خبرگزاری دانشجویان را منتشر کرد، تأکید داشته که حضور نیروهای امنیتی به‌هیچ‌عنوان با درخواست ریاست دانشگاه رخ نداده است. او در این بیانیه نوشته است: «تصمیم و اقدام نیروهای غیردانشجوی امنیتی خارج از دانشگاه به حضور در دانشگاه صنعتی شریف ارتباطی با مسئولین، تشکل‌ها یا دانشجویان دانشگاه شریف ندارد و تصمیمی بیرونی توسط نهادهای مربوطه بوده است که در آن روز بر شریف تحمیل شده است. اگر از صحبت‌های امروز بنده

برخورد با این قانون‌شکنی آشکار کمترین خواسته مردمی است

از سویی دیگر شاهد موج وسیعی از بازداشت‌ها در دانشگاه شریف بودیم که به گفته سخنگوی وزارت علوم آماری از تعداد بازداشتی‌ها و مجروحان حادثه موجود نیست. شمس‌ی‌پور گفته است: «آماري از دانشجویان بازداشتی و زخمی شب گذشته (یکشنبه‌شب) در دانشگاه شریف نداریم. دانشگاه‌ها و وزارت علوم با حال استخراج این آمارند. در چند روز گذشته در دانشگاه بیشتر از ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر تجمع نداشتیم». او که هم‌راستا با وزیر علوم به اظهارنظر می‌پردازد، در رابطه با ماجرای حمله به دانشگاه شریف هم گفته: «به نظر می‌رسد شعارهای شب گذشته در دانشگاه شریف از پیش طراحی شده است؛ چراکه شخصیت دانشجویان به سمت مطرح‌کردن این شعارها نمی‌رود. این شعارها سبب دره‌ریختگی فضا شد».

در این بین البته ایرنا خبرگزاری دولت مدعی شده فقط ۳۷

هرچند روایت‌های مختلفی از ماجرای دانشگاه شریف منتشر شده، به‌خصوص روایت رسانه‌های اسولگرا و دولتی که سعی در توجیه این رفتار غیرقانونی داشته و شعارهای تند دانشجویان را دلیل این اتفاق قلمداد می‌کنند، اما حقیقت انکارنشدنی ماجرا، شلیک تیر هرچند ساچمه‌ای در دانشگاه به سمت دانشجویان و بستن درهای داشگاه برای ممانعت از خروج دانشجویان و رهایی آنها از محاصره است. دلیل حمله به دانشجویان شریف از سوی حامیان برخورد و بازداشت دانشجویان به دادن شعارهای تند و رادیکالی ختم می‌شود که در نهایت اگر هم درست باشد، نباید فراموش کرد که اعتراض حق دانشجو است و حتی اگر شعارهای تندی هم سر داده شود، توجیهی برای بستن درهای دانشگاه و حمله به دانشجویان نیست و رفتار خلاف قانون در شکستن حریم دانشگاه و تبدیل‌کردن دانشگاه به میدان درگیری، خطایی بس بزرگ‌تر و تابخشودنی است.

در این بین حتی وزیر علوم هم با رفتاری هیجانی و به دور از منطق، در جمع دانشجویان حاضر شده که طبق گزارشی از اکانت رسمی «انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف» در توئیتر با روایت شب عجیب در دانشگاه شریف و حضور وزیر در دانشگاه نوشته شده: «وزیر علوم با حرف‌هایی تکان‌دهنده و برخوردی کاملاً نامحترمانه با دانشجویان معترض، آنها را متهم به بی‌قانونی و هدردادن بیت‌المال کرد. او با لحنی تند و ناشایست، به دانشجویان تأکید کرد که به‌خاطر هدردادن بیت‌المال باید در دنیا و آخرت جوابگو باشید و هرکز نیز گمان نکندید که می‌توانید هرچه دلتان خواست بگویند و ما با شما برخوردی نکنیم، بی‌شک برخورد جدی و قاطعانه صورت خواهد گرفت. صحبت‌های وزیر علوم به‌حدی تند بود که حتی رئیس دانشگاه سعی کرد فضا را آرام کند و اندکی منطقی‌تر به فضا نگاه کند اما وزیر علوم حتی با دکتر جلیلی نیز تند برخورد می‌کند!».

فیلم‌هایی هم که از غائله دانشگاه شریف منتشر شده این بیانیه انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شریف را تأیید می‌کند و متأسفانه وزیر علوم به‌جای حمایت از دانشجویان حتی اگر دارای قصوری بوده باشند، به حمایت از حضور خلاف قانون لباس شخصی‌ها پرداخته: تخلفی که حتی صدای بسیج دانشجویی را هم درآورده است.

برخورد خشن و قهرآمیز با دانشجویان عمیقاً وقویا محکوم است

بسپج دانشجویی دانشگاه شریف درخصوص رخدادهای یکشنبه‌شب بیانیه‌ای علیه وزیر علوم دولت رئیسی صادر

«شرق» در گفت‌وگو با سیدجلال ساداتیان بررسی کرد

سیاسی باشیم اما سیاست‌زده نباشیم

شرق: اعتراضات اخیر در کشور تفاوت‌های جدی و معناداری با ادوار پیشین دارد که مهم‌ترین آن به حضور پررنگ قشر جوان و حتی نوجوان

بازمی‌گردد. در این بین حضور پررنگ دانشگاه و دانشجویان هم جای تأمل دارد. اگرچه به دلیل خاصیت و ماهیت دانشگاه اساسا دانشجویان

نمی‌توانند نسبت به تحولات جاری در جامعه بی‌تفاوت عمل کنند. اما نقش جدی دانشجویان و قشر جوان می‌تواند به نحوی تغییر ساختار اجتماعی

اعتراضات را گوش‌زد کند. از این منظر «شرق» در گفت‌وگو با سیدجلال ساداتیان سعی در بررسی این مسئله داشته است که آیا باید قائل به تغییر

ساختار و بافتار اعتراضات در کشور بود؟ آیا حضور دانشجویان و قشر جوان می‌تواند به فعالیت مدنی و توسعه سیاسی – اجتماعی منجر شود؟ متن

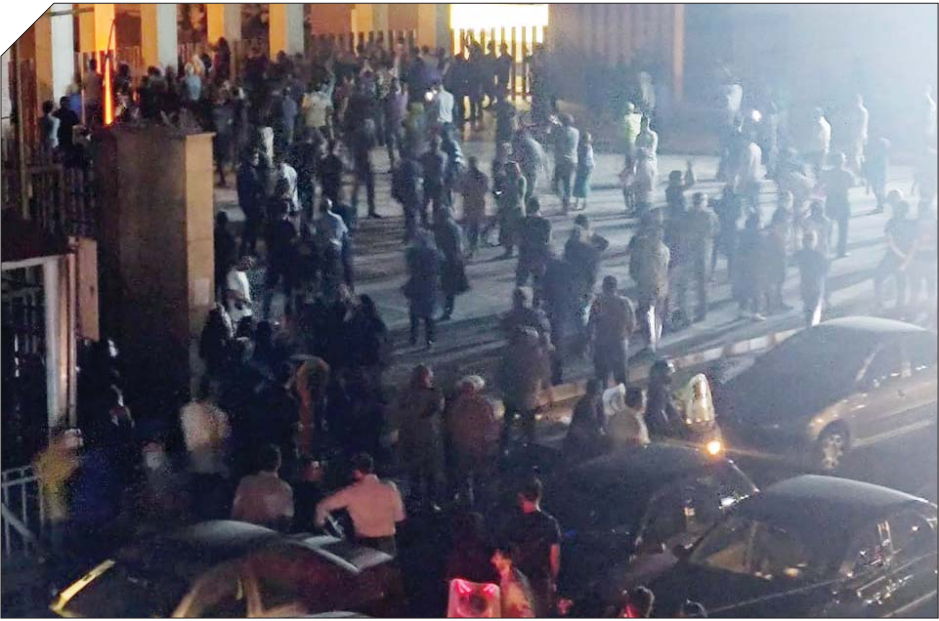
پیش‌رو حاصل گپ‌وگفت با این استاد دانشگاه است که سابقه دیپلماتیک و فعالیت سیاسی هم دارد.

● **با رصد دور جدید اعتراضات، بدنه اعتراضات را طبقه جوان و نوجوان تشکیل داده است. آیا ما در حال حاضر شاهد تغییر ساختار اجتماعی اعتراضات هستیم؟**

با توجه به مجموعه‌ای از تحولات در سال‌های اخیر و به‌ویژه یک دهه گذشته اساساً ساختار سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... و در کل بدنه کشور در حال تغییرات جدی است. حال در بستر چنین تغییری بدون شک محوریت هرگونه اعتراضی هم تغییر خواهد کرد. چون تا پیش از دور جدید اعتراضات تصور بر این بود که موتور محرکه هرگونه حرکتی در جامعه به احزاب، شخصیت‌ها و چهره‌های سیاسی بازمی‌گردد، اما این دوره از اعتراضات نشان می‌دهد که هم کانون و هم بدنه اعتراضات با محوریت جوانان و بدون مدیریت سیاسی در حال شکل‌گیری است.

● **همین‌جا توقف کنیم. چرا شاهد این پوست‌اندازی سیاسی – اجتماعی در حوزه اعتراضات هستیم؟**

این تغییر اساساً ریشه در بستر عملکرد گذشته دارد. به هر حال زمانی که شاهد ناکارآمدی، بعضاً فساد و در عین حال به زعم آنان فضای بسته سیاسی-رسانه‌ای در کشور هستیم، عملاً این پوست‌اندازی اجتناب‌ناپذیر جلوه می‌کند. در این بین زمانی که طبقه جوان به شکل مستقیم‌تری با مشکلات اقتصادی و معیشتی، فساد، بزهکاری، آسیب‌های اجتماعی و... مواجه و درگیر است، شرایط به صورت اتوماتیک به سمتی میل می‌کند که کوچک‌ترین اتفاق و حادثه‌ای می‌تواند به بستری برای اعتراضات بدل شود. ما باید بپذیریم جامعه ما در ایران آبیستن انواع ناآرامی و اعتراضات به دلیل انواع مشکلات از تورم و بی‌کاری تا عدم توزیع عادلانه و برابر مواهب سیاسی اقتصادی و فرهنگی است. بنابراین فوت خانم مهسا امینی تنها یک جرقه بود برای اینکه عقده‌های نگفته یک بار دیگر خود را نشان دهد. ضمن آنکه خاستگاه هر اعتراضی قشر جوان است؛ چراکه این طبقه به دلیل بالندگی، پویایی و تحرک بالای اجتماعی بدنه اصلی اعتراضات را شکل می‌دهد، کم‌اینکه در ادوار پیشین اعتراضات هم نظایر آن را شاهد بودیم. اما مسئله اینجاست که عملکرد چهره‌های سیاسی و احزاب یا همان به اصطلاح طبقه نخبه و الیت سیاسی-اجتماعی در کشور به گونه‌ای



واکنش عارف به حوادث یکشنبه‌شب دانشگاه صنعتی شریف:
تلاش می‌کنم روند آزادی دانشجویان تسریع شود
در پی حوادث تلخ صورت‌گرفته در برخی دانشگاه‌های کشور به‌ویژه دانشگاه صنعتی شریف، محمدرضا عارف، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و استاد دانشگاه شریف در بیانیه‌ای ضمن محکومیت شکسته‌شدن حرمت دانشگاه تأکید کرد دخالت نهادهای بیرون از دانشگاه باعث شکسته‌شدن حرمت دانشگاه شد. متن پیام محمدرضا عارف، استاد دانشگاه شریف، به این شرح است: حوادث تلخ و غمباری که طی روزهای گذشته در برخی دانشگاه‌های کشور به‌ویژه دانشگاه صنعتی شریف رخ داد، من را به‌عنوان یک معلم دانشگاه بر آن داشت تا نکاتی را به مسئولان محترم و دانشجویان عزیز بیان دارم. دانشگاه محلی برای شنیدن صداهای مختلف و تضارب آرا و بهترین محل برای بحث و گفت‌وگو درباره چالش‌های مختلف جامعه و ارائه راه‌حل‌های منطقی و علمی برای حل چالش‌هاست، به همین دلیل می‌طلبید فضای دانشگاه هم برای تضارب افکار مختلف و هم برای شنیدن مطالبات دانشجویان که موتور محرک جامعه هستند هموار باشد.

آسیبی که دانشگاه طی یک دهه گذشته دیده است، بیشتر به خاطر دخالت نهادهای بیرون از دانشگاه و تلاش این نهادها

برای مدیریت فضای دانشگاه‌ها بوده است و متأسفانه در چند روز گذشته که دانشجویان به بیان مطالبات خود پرداختند، دخالت

نهادهای بیرون از دانشگاه منجر به متشنج‌شدن جمععات صورت گرفته شد و شوربختانه یک‌بگویم دخالت این نهادها باعث هک

حرمت و شکستن قداست دانشگاه شده است. واجب است مسئولان مرتبط با آموزش عالی کشور به وظیفه ذاتی خود که حفظ

حرمت دانشگاه است، بیش از گذشته عمل کنند و نگذارند دانشگاه امنیتی شود. در سال‌های گذشته امنیتی‌شدن فضای دانشگاه

به‌شدت باعث ضربه به حیثیت دانشگاه شد. جای دانشجو در زندان و بازداشتگاه نیست، حاکمیت باید در برابر شنیدن اعتراضات

دانشجویان و حتی پرخاش آنها سعه‌صدر داشته باشند. به سهم خودم و به‌عنوان فردی که افتخارش معلمی دانشگاه است،

ضمن عذرخواهی بابت شکسته‌شدن حرمت دانشگاه، تلاش می‌کنم با تعاملات صورت‌گرفته روند آزادی دانشجویانی که بازداشت

شده‌اند، تسریع شود.

دانشجو بازداشت شده بودند که ۳۰ نفر تا عصر دیروز آزاد

شده‌اند! به‌هرحال آنچه رخ داده نته‌ها امری خشن بلکه

خلاف قانون و در جهت کاهش اعتماد عمومی و افزایش

سرخوردگی اجتماعی است که جز تخریب سرمایه‌های

اجتماعی حاصلی دربر ندارد. بنابراین برخورد با این

قانون‌شکنی آشکار کمترین خواسته مردمی است که این روزها

با نگرانی تمام، وقایع کشورشان را پیگیری می‌کنند. درحالی‌که

اعتراضات مردمی به مرگ مهسا امینی وارد هفته سوم شده

و رئیس‌جمهور صراحتاً اعتراض را حق مردم دانسته، انتظار

برای شنیدن صدای مردم، همراهی با مردم و پاسخ‌دادن به

سؤالاتی که می‌توانست پایانی بر اعتراضات باشد، همچنان

بی‌پاسخ مانده است چه رسد به عذرخواهی مسئولانی که

توانستند امنیت جانی مهسا امینی را در بازداشت گشت ارشاد

تأمین کنند. همچنین تاکنون رسیدگی به پرونده مهسا امینی در

حد وعده باقی مانده و حتی نمایندگان مجلس به‌جای بررسی

پرونده او و رفع ابهامات پرونده و آسیب‌شناسی اعتراضات

اخیر همچنان درگیر رفتارهای هیجانی و شعاردادن در صحن

هستند و وقتی از شلیک به دانشجویان از آنها سؤال می‌شود،

کار را به ضدانقلاب حواله می‌دهند. مانند میرزایی، نماینده

مجلس که از قضا عضو کمیسیون فرهنگی مجلس نیز هست

که مدعی شده تیراندازی در دانشگاه‌ها کار «ضدانقلاب» است.

البته مدرکی برای اثبات ادعای خود ارائه نداده و گفته اگر شما

مدرک دارید نیروی‌های امنیتی به مردم شلیک کرده‌اند، بدهید

ما پیگیری می‌کنیم! حال که کلی فیلم و تصویر از حمله به

دانشجویان شریف منتشر شده و رئیس دانشگاه و وزیر علوم

هم شاهد این ماجراها بوده‌اند، باید دید نمایندگان مجلس به

مسئله ورود خواهند کرد یا نه؟ به‌هرحال مستندات و مدارک به

اندازه کافی اکنون موجود است.

سیاسی باشد، اما سیاست‌زده نباشد. دانشگاه و دانشجو باید فعالیت سیاسی

داشته باشند؛ چراکه اساسا دانشجو نباید و نمی‌تواند نسبت به اتفاقات جامعه

بی‌تفاوت باشد. دانشگاه محلی برای شنیدن‌شدن همه صداهای سیاسی و

اجتماعی از هر طبقه، قشر و گروهی در جامعه است؛ چراکه دانشجویان نماینده

کل جامعه از همه اقوام، مذاهب و قشرهای ایران هستند. از این منظر دانشگاه

محل مختلف و تضارب آرا و بهترین محل برای بحث، گفت‌وگو و حتی جدل

سیاسی درباره چالش‌ها، مضضلات و بحران‌های مختلف جامعه و از همه

مهم‌تر محلی برای ارائه راه‌حل‌های درست، واقع‌بینانه، منطقی و علمی برای

حل این چالش‌ها و بحران‌هاست. اما اینکه سعی شود فعالیت سیاسی دانشجو

و دانشگاه را به نوعی رفتار سیاست‌زده تبدیل کنیم و از همه مهم‌تر این نگاه

سیاست‌زده را به نگاه امنیتی گره بزنیم، قطعاً دانشگاه از کارکرد واقعی خود

فاصله می‌گیرد و به محلی برای جولان برخی جریان‌های سیاسی و محدودکردن

دیگر صداها بدل می‌شود.

● **در این بین نگاه امنیتی تا چه اندازه به شکل‌گیری وضعیت کنونی دامن زده است؟**

اتفاقا یکی از موارد کلیدی که عملاً بستر و فضای هرگونه فعالیت مدنی و

توسعه سیاسی را نابود کرده است به همین نگاه بازمی‌گردد. این نگاه

تا کجاست که نگاه امنیتی صرفاً به حوزه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی هم

بازنمی‌گردد، بلکه در سایر شئونات هم ریشه دوانده است. برای مثال در اقتصاد

و بازار هر زمان که کنترل شاخص‌های اقتصادی مانند قیمت ارز از دست دولت

و مقامات درمی‌رود به فوریت پلیسی‌کردن بازار و برخورد با برخی‌ها به نام دلال

و... شکل می‌گیرد، کم‌اینکه در بازار از چندین بار شاهد فضای پلیسی بودیم،

پس طبیعی است که وقتی این نگاه بر همه مقولات جامعه از اقتصاد تا حجاب،

تحركات سیاسی، فعالیت‌های دانشجویی و... حاکم باشد نمی‌توان منتظر توسعه

سیاسی و فعالیت مدنی بود. شاید خواسته آشکار و مطالبه مجوری معترضان

در این دوره جدید به مسئله حجاب و انعطاف بیشتر در این موضوع معطوف

شود، اما مطالبه و انتظارات مردم صرفاً این نیست؛ چراکه جامعه در هر کشوری

طیف گسترده‌ای از خواسته‌ها و انتظارت را دارد که وظیفه هر حکومت و ساختار

سیاسی تحقق آنهاست، خصوصاً در جامعه ما که فقر و نابرابری، بی‌کاری و

انواع تبعیض وجود دارد. جامعه عملاً به انباشتی از برخی مشکلات بدل شده

است و دنبال بهانه می‌گردد تا اعتراض کند.

● **این نکات شما توجیهی بر دست‌کشیدن از آنهاست؟**

خیر به‌هیچ‌وجه. من صرفاً به دنبال کالبدشکافی و آسیب‌شناسی وضع

موجود هستم. اما قائل به این نیستم که فضا بیش از گذشته ملتهب شود و

دامنه اعتراضات به ناامنی‌های گسترده در کل کشور کشید شود. درعین‌حال باید

واقعیتات را هم دید. اگر بهبود فضای اجتماعی را طالبیم و به نحوی توسعه

سیاسی و اجتماعی ایران را در سر داریم باید فضا و بستر لازم برای این مهم

شکل بگیرد. نمی‌توان با این شیوه ادامه داد. البته ما باید توازن‌بخشی جدی

را در این رابطه به کار بگیریم که بین فضای امنیتی و فقدان کامل امنیت توازن

برقرار گشود؛ چون امنیت لازمه و پیش‌شرط هرگونه توسعه‌ای در هر زمینه‌ای، از

توسعه اقتصادی گرفته تا توسعه سیاسی، توسعه اجتماعی، فرهنگی و... است.

نتیجه یک اتفاق و حادثه نیست، بلکه ثمره عملکرد مدت‌هاست. ما متأسفانه

شاهد آن هستیم که به واسطه انتخابات مجلس، ریاست‌جمهوری و... در یک

دوره کوتاه به این دست عبارات مانند توسعه سیاسی و فعالیت مدنی چنگ

می‌زنند و به آن اهمیت می‌دهند، اما بعد از گذشت فضایی رقابتی، دوباره به

همان روال سابق برمی‌گردیم که نفی هر گونه توسعه سیاسی و فعالیت مدنی

را در دستور کار خود دارد. فساد و ناکارآمدی در کنار فضای بسته باعث شده

است که قشر جوان امروز کشور، نه اعتبار و نه اعتنایی برای توسعه سیاسی،

فعالیت مدنی و نظایر آن قائل نیست. زمانی که همه در داخل کشور به فساد،

ناکارآمدی و فضای بسته اذعان و اعتراف دارند و در طول این سال‌ها هم اتفاق

برای فعالیت در این زمینه روی نداده است، بخشی از جامعه جوان کشور آمیدی

برای اصلاح امور ندارد. همین نکته سبب می‌شود بستر برای اعتراض، ولو

اعتراض خشونت‌آمیز به عنوان تنها راه‌حل و راهکار از نظر گروه معترض بروز

کند چراکه توسعه سیاسی، فعالیت مدنی و نظایر آن تاکنون نتوانسته است به

بهبود وضعیت اجتماعی ایران منجر شود. به قول یکی از چهره‌های سیاسی

کشور اگر کسی با منطق جامعه‌شناسی و منطق سیاسی شورش‌ها، اعتراضات

و خشم‌های شهری آشنا باشد، می‌داند در تمام دنیا وقتی چنین اتفاقی می‌افتد،

جامعه دچار فوران خشم اجتماعی می‌شود. در کشورهای دیگر نظیر آمریکا هم

چنین اتفاقاتی سبب شورش اجتماعی می‌شود و کشته هم می‌دهد.

● **دانشگاه و دانشجو باید سیاسی باشد یا خیر؟**

● **چون فعالیت مدنی و توسعه سیاسی نیاز به یک بستر و فضای مناسب است، استاندار دارد. زمانی که این فضای مناسب به زعم گروه جوان در کشور فراهم نیست، طبیعتاً زمینه تحقق و پیگیری برای این قبیل مسائل وجود ندارد. ساختار موجود ندارد. مسائل وجود ندارد. ساختار فعالیت مدنی و توسعه سیاسی در ایران نهادینه نشده است، گفتمان دموکراسی هم که الکن است و از همه مهم‌تر فعلاً بخشی از مسئولان اعتباری برای اعتراض سیاسی، فعالیت مدنی و توسعه سیاسی هم قائل نیستند. لاجرم باید شاهد اعتراضات رادیکال هم باشیم که لزوماً من موافق برخی اقدامات نیستم**

● **ولی سؤال مهم‌تر آنجاست که اگر بدنه و کانون دور جدید اعتراضات را جوانان با محوریت دانشجویان و طبقه تحصیل‌کرده شکل می‌دهد، چرا توسعه سیاسی رنگ می‌بازد؟**

ببینید زمانی که با تحلیل عمیق‌تر به ریشه اتفاقات بازمی‌گردیم این نتیجه

حاصل می‌شود که دور جدید اعتراضات با جرقه مرگ مهسا امینی شروع شده

است، اما کل جریان اعتراض به حجاب، گشت ارشاد و... بازنمی‌گردد، بلکه

مجموعه‌ای از عملکردها این خروجی را به دنبال دارد. توسعه سیاسی و فعالیت

مدنی هم که در ۲۵ سال گذشته کاری از پیش نبرده است. لذا وضعیت امروز

بوده است که اکنون قشر جوان هیچ‌گونه اعتمادی به این طبقه ندارد.

● **با این تفاسیر باید از شما پرسید که آیا توسعه سیاسی یا فعالیت مدنی برای این طیف که در دور جدید اعتراضات، اقدامات رادیکالی را در دستور کار قرار داده‌اند محلی از اعراب دارد؟**

من نمی‌خواهم چندان بدبینانه به این مسئله نگاه کنم. اما از دوره اصلاحات

و دولت آقای خاتمی که برخی عبارات مانند فعالیت مدنی، فعالیت مدنی

سیاسی، توسعه سیاسی، گفتمان سیاسی و نظایر آن به ادبیات سیاسی ایران

راه پیدا کردند و پس از آن هم مرتب در سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها، یادداشت‌ها،

مقالات و پژوهش‌های حوزه سیاسی و اجتماعی از آنها استفاده شده است. حالا

بعد از گذشت سال‌های متمادی دیگر این کلمات خاصیت، محتوا و از همه

مهم‌تر کارکرد خود را از دست داده‌اند.

● **چرا؟**

چون فعالیت مدنی و توسعه سیاسی نیاز به یک بستر و فضای مناسب و

استاندارد دارد. زمانی که این فضای مناسب به زعم گروه جوان در کشور فراهم

نیست، طبیعتاً زمینه تحقق و پیگیری برای این قبیل مسائل وجود ندارد. ساختار

فعالیت مدنی و توسعه سیاسی در ایران نهادینه نشده است، گفتمان دموکراسی

هم که الکن است و از همه مهم‌تر فعلاً بخشی از مسئولان اعتباری برای اعتراض

سیاسی، فعالیت مدنی و توسعه سیاسی هم قائل نیستند. لاجرم باید شاهد

اعتراضات رادیکال هم باشیم که لزوماً من موافق برخی اقدامات نیستم.

● **ولی سؤال مهم‌تر آنجاست که اگر بدنه و کانون دور جدید اعتراضات را جوانان با محوریت دانشجویان و طبقه تحصیل‌کرده شکل می‌دهد، چرا توسعه سیاسی رنگ می‌بازد؟**

ببینید زمانی که با تحلیل عمیق‌تر به ریشه اتفاقات بازمی‌گردیم این نتیجه

حاصل می‌شود که دور جدید اعتراضات با جرقه مرگ مهسا امینی شروع شده

است، اما کل جریان اعتراض به حجاب، گشت ارشاد و... بازنمی‌گردد، بلکه

مجموعه‌ای از عملکردها این خروجی را به دنبال دارد. توسعه سیاسی و فعالیت

مدنی هم که در ۲۵ سال گذشته کاری از پیش نبرده است. لذا وضعیت امروز

بوده است که اکنون قشر جوان هیچ‌گونه اعتمادی به این طبقه ندارد.

● **با این تفاسیر باید از شما پرسید که آیا توسعه سیاسی یا فعالیت مدنی برای این طیف که در دور جدید اعتراضات، اقدامات رادیکالی را در دستور کار قرار داده‌اند محلی از اعراب دارد؟**

من نمی‌خواهم چندان بدبینانه به این مسئله نگاه کنم. اما از دوره

رهبر انقلاب با اشاره به حوادث اخیر و تأکید بر این که آمریکا و صهیونیست ها فقط با جمهوری اسلامی مخالف نیستند

با ایران قوی مخالفند

نگار شما هستیم؟ آیا سابقه دارد رسانه‌های جمعی و وابسته به سرمایه‌داری آمریکا و مزدوران آنها همانند برخی دولت‌های منطقه و از جمله سعودی‌ها از اغتشاشکاران در این کشور ها حمایت کنند؟ و آیا سابقه دارد آمریکایی‌ها اعلام کنند که ما فلان رسانه را نیز از نظر افرازی، اینترنتی را در اختیار اغتشاشکاران قرار می‌دهیم تا برای ارتباط برقرار کنند؟ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: اما چنین حمایت‌هایی در ایران بارها اتفاق افتاده است. پس چگونه است که برخی‌ها دست خارجی را نمی‌بینند و چگونه انسان هوشمند احساس نکند که در پشت این حوادث دست‌های دیگری در کار است. ایشان با تأکید بر اینکه اظهار تأسف آمریکایی‌ها برای اغتشاش‌کنندگان دختر دروغ است و آنها برخلاف ظاهر، به علت بدست‌آوردن این بهانه برای حادثه آفرینی شادمان هستند، گفتند: در کشور، مسئولان سه قوه اظهار تأسف کردند و قوه قضائیه قول داده است که موضوع را تا نهایت دنبال کند تا مشخص شود مقصری وجود دارد یا نه و اینکه مقصر کیست؟ تحقیق می‌شود همین حال، چگونه می‌تواند یک سازمان که مجموعه عظیم دخترکاران برای احتمال اشتباهی سر باز زده باشد، دروغ بگوید؟ هیچ منطقی پشت این سرانگیزه نیست و این کار، عملی جز دستک‌های جاسوسی و سیاست‌گذاران عنود خارجی ندارد. رهبر انقلاب اسلامی با طرح این سؤال که انگیزه دولت‌های خارجی برای ایجاد اغتشاش و ناامید و کشور چیست؟ افزودند: آنها احساس می‌کنند که در حال پیشرفت به سوی قدرت همه‌جانبه است و این موضوع را نمی‌توانند تحمل کنند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و اشاره به شتاب گرفتن پیشرفت کشور در همه بخش‌ها و تلاش‌ها برای گشوده‌شدن برخی گره‌های قدیمی و فعال‌شدن بخش تولید و دانش‌بنیان‌ها و توانایی کشور برای خنثی کردن تحریم‌ها تأکید کردند: اتفاق نمی‌خواهد این پیشرفت‌ها در کشور شکل بگیرد و به منظور متوقف کردن این حرکت، برای تعطیلی دانشگاه‌ها و آموختن خیابان‌ها و درگیرکردن مسئولان به مسائل جدید در شمال شرق و جنوب شرق کشور، برنامه‌ریزی کرده‌اند. ایشان با تأکید بر اینکه دشمن در محاسبات خود دربارہ شمال غرب و جنوب شرق کشور دچار اشتباه است، گفتند: من در میان قوم بلوچ زندگی کرده‌ام و آنها عمیقاً به جمهوری اسلامی وفادار هستند. قوم کرد نیز یکی از پیشرفته‌ترین اقوام ایرانی و علاقه‌مندی به میهن، اسلام و نظام جمهوری اسلامی دارند و آنها گرفت، رهبر انقلاب اسلامی خاطرنشان کردند: طراحی و اقدامات دشمنان نشان‌دهنده باطن آنهاست. همان دشمنی که در اظهارات دیپلماتی می‌گوید با قصد تهاجم به ایران و تغییر نظام و قصد دشمنی نداریم، چنین باطنی دارد و به دنبال توطئه ایجاد اغتشاش، نابودکردن امنیت کشور و تحریک هیجان کسانی است که ممکن است برای برخی‌ها خیر محسوب شود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اینکه آمریکا فقط برخلاف جمهوری اسلامی نیست و با ایران قوی و مستقل نیز مخالف

پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای فرمانده معظم کل قوا صبح دیروز (دوشنبه) در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجوین دانشگاه‌های افسری نیروی مسلح در ساختمان مهمی با اشاره به اشرار که ایران را تهدید می‌کنند: با صراحت می‌گویم این صحنه‌ها طراخی امریکا، رژیم صهیونیستی و دنباله‌رهای آن نباشند. مشکل اصلی آنها با ایران قوی و مستقل و پیشرفت کشور است. ملت ایران در این حوادث کاملاً قوی ظاهر شد و در آینده نیز هر جا که لازم باشد، شجاعت و اراد میدان خواهد شد. رهبر انقلاب اسلامی در ابتدای ورود به میدان با حضور بر مزار شهیدان گمنام و فراغت‌التحاق، به دلبران و قهرمانان دفاع از اسلام و ایران روان فرستادند. فرمانده کل قوا سپس این احادیث را در میدان سردار دیندند. رهبر انقلاب اسلامی در این مراسم در سخنان مهمی درباره حوادث اخیر کشور گفتند: در این حوادث بیش از همه به سازمان انتظامی کشور و به بسیج و به ملت ایران ظلم شد. البته در این میان این حادثه نیز همچون حوادث دیگر کاملاً قوی ظاهر شد و در آینده نیز به همین نحو خواهد بود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید کردند: در آینده نیز هر جا که دشمنان نخواهند اختلال ایجاد کنند، آنکه بیش از همه سینه سپر خواهد کرد، ملت شجاع و مؤمن ایران است. ایشان ملت ایران را همچون موی خود حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) ملتی مظلوم و در عین حال قوی خواندند و افزودند: در این حادثه‌ای که پیش آمده، دختر جوانی در گذشت که دل ما هم سخی ما را نکند به این حادثه، بدترین تحقیر و بدون دلیل و سبب وجود داشته باشد. عده‌ای باینند خیابان‌ها را ناامن کنند، قرآن آتش بزنند، حجاب از سر زن محجبه بکشند، مسجد و حسینیه و دوروی مردم را به آتش بکشند، یک واکنش برای و طبیعی بود. رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر اینکه این اغتشاش‌ها برنامه‌ریزی شده بود، گفتند: اگر قضیه این دختر جوان نبود، بهانه دیگری می‌یوچود می‌آوردند تا امسال را از مهر، در کشور نامنی و اغتشاش ایجاد کنند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید کردند: من به صراحت می‌گویم این اغتشاش‌ها و ناامنی‌ها طراخی امریکا و رژیم غاصب و جعلی صهیونیستی بود و حقوق بگیران آنها و برخی از ایرانی‌های خائن در خارج به آنها کمک کردند. ایشان افزودند: برخی افراد نسبت به این گفته شرم فلان حادثه طراخی و کار دشمن نبوده است. حاسبت هستند و سینه سپر می‌کنند برای دفاع از سازمان جاسوسی امریکا و صهیونیست‌ها و آنرا تحلیل‌ها و نقاطی‌ها را مغالطه‌آمیز را نیز به کار می‌گیرند تا بگویند کار خارجی‌ها نیست. رهبر انقلاب اسلامی خاطرنشان کردند: در دنیا، اغتشاش‌های زیادی به وجود می‌آید و در اروپا و به خصوص فرانسه و پاریس هر چند وقت یک بار اغتشاش مفصلی به وجود می‌آید اما این تاکنون شده است. رئیس‌جمهور امریکا و مجلس نمایندگان امریکا از اغتشاشگران حمایت‌کنند و پایانه می‌بندند؛ اما سابقه دارد که باید بدهند و بگویند در

داشته‌اند، رهبر انقلاب اسلامی در بخش دیگری از سخنانشان، ورود چپ هزار جوان بانشاط و پرانگیزه اندکناهی به مجموعه نیروهای مسلح در هر سال را قدرت و شرفی بزرگ و حایم تمام نوسازی و استحکام برای کشور خواندند و گفتند: حضور جوانان ایرانی در بخش‌های گوناگون علمی، اقتصادی، سیاسی و نظامی کشور حقیقتاً امیدآفرین است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به تبلیغات کمرهاکننده بدخواهان در نشان دادن تصویری نامعنی بی مسئولیت و گسسته از ارزشی که از جوانان ایرانی خاستل طرح کرده، در واقعیت در نقطه مقابل این تبلیغات است و می‌گوید: نظر جوانان ما در همه عرصه‌های حرکت در پیشرفت و امنیت ایشان در این زمینه به نقش آفرینی جوانان در دفاع از مذهب و امنیت کشور، کمک به جبهه مقاومت و حرکت مقدس دفاع از حرم، خدمات اجتماعی، پیشرفتهای علمی، تولید و ابتکار، حضور، میلیونی در آیین‌های مذهبی مانند راهپیمایی عظیم اربعین و راهپیمایی جاماندگان، مقابله با بیماری‌ها، همگی، نهضت کمربند آهنی مؤمنانه، جاده فرهنگ و اسباب در حوادث طبیعی آشکار کردند و افزودند: این جوانان توانایی حسنگی‌ناپذیر و فعال در میانه میدان، هرگز ناامید و گسسته از ارزش‌ها نیستند و البته پیشتر همه این عرصه‌ها و حرکت‌ها نیز جوانان پایدار بودند. فرمانده کل قوا، نیروهای مسلح را از جمله ستون‌های استحکام ملی خواندند و با تأکید بر ضرورت تقویت این عامل اساسی استحکام جامعه اظهار داشتند:

ما باید بدانیم که خطرات نزدیکند؛ تقویت نیروهای مسلح برای ایران ما که با دشمنان قلدر و زورگویی همچون آمریکا مواجه است، اهمیت مضاعف دارد و مسئولان نظامی باید با به کارگیری راهکارهای نو روبرو آمد، هوشمندسازی همه برنامه‌ها و ابزارها و تجهیزات، تقویت پژوهش‌های علمی و طراحی بازهای پیچیده کنار افزایش درجه جنگ ترکیبی دشمن، طرق دفعه‌ای کشور را ارتقا دهند. ایشان مسئولیت اصلی نیروهای مسلح را حراست از امنیت ملی به مثابه زیرساخت همه ابعاد زندگی اعم از امنیت در مسائل شخصی و امنیت در مسائل عمومی خواندند و افزودند: بدون امنیت پیشرفت در هیچ عرصه‌ای امکان پذیر نیست، حضور آیات الله خامنه‌ای این نکته را هم افزودند که ناشی از تهدیدات بزرگ و خطرناک‌هاست اما وجود دارد و همه و همواره خداوند محلم به مدرسه، روشنگر و دستوران‌ای آن هستیم. رهبر انقلاب

A group of men, including Iranian military officials and a religious leader, walking in a procession. Some are saluting. The religious leader is wearing a black turban and a white beard.

نیروهای مسلح را تأمین‌کنندگان امنیت کشور خواندند و گفتند: بنابراین تضعیف نیروهای مسلح، تضعیف امنیت کشور است و کسی که به تضعیف پلیس یا پایگاه بسیج حمله می‌کند یا در سخنان خود به ارتش یا سپاه لشکر می‌زند، به امنیت کشور حمله می‌کند. ایشان در این زمینه افزودند: پلیس موظف به ایستادن در مقابل مجرم و تأمین امنیت جامعه است، بنابراین تضعیف پلیس به معنی نفوذ مجرمین است و کسی که به پلیس حمله می‌کند، مردم را در مقابل مجرمین، اذعان و ابوابش، زورگیران می‌گذارد. حضرت ابی‌الله خراسانی (ع) می‌فرمود: «در روزی که امتیاز بزرگ برای کشور برقرار شد، حضرت ابی‌الله (ع) به کاملاً روزگار و روزگار به کاملاً به بکران است» این امر به معنای آن است که دیگران از بیرون ایجاد کنند و به آن کشور نگاه استفاده از گاو شیرده داشته باشند، کاملاً مقاومت است. ایشان، امنیت جمهوری اسلامی ایران را منبع از اتکا به قدرت ریزگار و پشتیبانی حضرت ولی عصر (ع) و یکپارچه و ایستادگی می‌دانند و نیروهای مسلح خواندند و افزودند: آن‌ها به نیتش متکی است، روز مراد همان نیروی خارجی از ارتش است که گداخت چراکه نه می‌خواهد نه می‌تواند از آن حراست و حفاظت کند. در این مراسم سردار سرلشکر باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح با تأکید بر اینکه حرکت عده‌ای از افراد افراط با وابسته به ایجاد ناامنی، تردیدی در حرکت پافشاری مثل سرلشکر بود که جبهه حق نخواهد داشت، گفت: نیروهای مسلح در کنار مردم با وحدت و به یکدیگر در اجرای فرمان پیشرو و راهبرد مقاومت فعال نقش آفرین خواهند بود. همه‌چیز در این مراسم امیردبیراد دوم شفقت فرمانده منتخب دستگاه‌های ارتش، سردار سرتیپ غلامی فرمانده اندیشه امام حسین (ع) و سردار اسباب دوم ای فرمانده اندیشه امام حسن کزاشی را بر برنامه‌های تقویت و برنامه‌های فرهنگی این دستگاه بیان کردند. اجرای سرود مشترک دانشجویی و اجرای رژه بک‌های امنیتی، بخش‌های دیگری از مراسم بود. مراسم مشترک دانش آموختگی نیروهای مسلح که امسال بر اساس نوبت در دانشگاه افسری و تربیت امام حسن برگزار شد، به صورت مستقیم و از طریق ارتباط تصویری در ۹ دستگاه دیگر، نیروهای مسلح نیز دریافت شد. دانشجویان این دانشگاه‌ها سخنان فرمانده کل قوا را استماع کردند.

ريموند ويل

RAYMOND WEIL
GENEVE



SARMAN Co.

No. 1832, Dr. Shariati St., Next to Pol-E-Roomi, Tehran - Iran

اساوی ژینگ

ترجمه گلزار منظرې



اوکراین و داستان دواستعمار

همان‌طور که همه می‌دانند ولودیمیر زلنسکی پیش از آنکه در واقعیت رئیس‌جمهور اوکراین شود، در سریال تلویزیونی «خادم مردم» نقش یک رئیس‌جمهور را بازی کرده بود و طنز ماجرا باعث شد که بسیاری او را جدی نگیند (پولیس رئیس‌جمهوری که زمانی در کلاب خدمت کرده گزیده پترت است) اما آنچه همه نمی‌دانند، پیرنگ اصلی سریال است.

زلنسکی نقش یک معلم مدرسه به نام «اوسلیپ تروپوچ گولوبوروکو» را بازی می‌کزد که شاگردانش از او درحالی‌که با حرارت علیه حرف می‌زنند فیلم می‌گیرند، ویدئو را در فضای مجازی به اشتراک می‌گذارند (که بسیار پربازدید می‌شود) و سپس نام او را به‌عنوان نامزد ریاست‌جمهوری در انتخابات بعدی ثبت می‌کنند. گولوبوروکو که ناخواسته از تارخاییت عمومی از قضاده برده پوره، در انتخابات پیروز می‌شود، به‌سختی شغل جدید را یاد می‌گیرد و در نهایت از جایگاه قدرتی که به‌تازگی در آن قرار گرفته، مقابله با یگارش‌ی در کشور را آغاز می‌کند. سریال تصویر درستی از اوکراین ترسیم می‌کند، از میان کشورهای پساکمونیستی شرق اروپا. اوکراین در دهه ۱۹۹۰ سخت‌ترین ضربه را از «شوکرمانی» اقتصادی (با همان اصلاحات گسترده بازار و خصوصی‌سازی) متحمل شد. با گذشت سه دهه از استقلال، درآمد اوکراینی‌ها همچنان از درآمدشان در سال ۱۹۹۰ پایین‌تر است. فساد پیداد می‌کند و دادگاه‌ها به یک شوخی بدل شده‌اند.

همان‌طور که روزنامه «والیامز مانیفستو» نوشته، «ادر اوکراین» تبدیل سیستم به سرمایه‌داری از الگوی معمول پیروی کرده است. طبقه‌ای از الیگارشی‌ها و نخبانی کمینشمار با غارت بخش دولتی یا همدستی طبقه سیاسی به‌طور نامتناسبی ثروتمند شده‌اند. علاوه بر این، کمک‌های مالی غرب همیشه «اکیدا به اصلاحاتی منوط شده که اوکراین ملزم به اجرای آنها بود و همگی با ایجاد محدودیت مالی و ریاضت اقتصادی، بسیاری از مردم را بیش از پیش به دامان فقر می‌کشید. و چنین بود میراث تعامل غرب سرمایه‌دار با اوکراین پس‌استقلال. در این میان، آن‌طورکه منابع من در روسیه به من می‌گویند، رئیس‌جمهور ولادیمیر پوتین گروهی از مارکسیست‌ها را گرد هم آورده بود و او در مورد نحوه نمایش موقعیت روسیه در جهانی که در حال شکل‌گیری است، مشاوره دهند. نشانه‌های این مشاوره‌ها را می‌توان در سخنرانی‌هاژدهم اگوست او دید؛ «وضعیت جهان به‌طور پویایی درحال تغییر است و طرح کلی یک نظم جهانی قدرتمندی در حال شکل‌گیری است. تعداد فرآیندهای یا شعار براندازی «دولت پنهان» جایگزین چه رادیکال قدیمی شده است. استیو پتر، استراتژیست سابق دونالد ترامپ، یک فرآیندهای عینی با مخالفت نخبگان غربی گلوبالیستی مواجه شده که آشوب ایجاد می‌کنند، مناقشات دیرینه و جدید را دامن می‌زنند و سیاست به‌اصطلاح بازدارندگی را دنبال می‌کنند که درواقع به‌معنای تضعیف هر گزینه جایگزین و مستقل برای توسعه است.

البته دو نکته این نقد «مارکسیستی» را خراب می‌کند. اولاً، صحبت از استقلال «بر اساس هویت، سنت‌ها و ارزش‌های متمایز خود» این معنی ضعیف را به بردار که باید آنچه را حکومت در جاهایی مانند کره شمالی یا افغانستان انجام می‌دهد، تحمل کرد. باین‌حال این کاملاً مغایر با همبستگی واقعی چه است، که دقیقاً پیروی تضاده‌ها در هر «هویت متمایز» تمرکز می‌کند تا پل‌هایی میان گروه‌های مبارز و تحت‌ستم کشورهای مختلف ایجاد کند. آنیا پوتین نسبت به «تضعیف هر گزینه جایگزین و مستقل برای توسعه» معترض است، اگرچه این دقیقاً در این میان، آن‌طورکه منابع من در روسیه به من می‌گویند، رئیس‌جمهور ولادیمیر پوتین گروهی از مارکسیست‌ها را گرد هم آورده بود و او در تلاش برای محروم‌کردن مردم اوکراین از حق تعیین سرنوشت‌شان انجام می‌دهد. پوتین در جالانداختن این خط مشی شبه‌مارکسیستی تنها نیست. در فرانسه مارین لوپن، رهبر راست افراطی خود را به‌عنوان حامی کارگران و کارمندان عادی در برابر شرکت‌های چندملیتی معرفی می‌کند، که گفته می‌شود با ترویج نگرگراری فرهنگی و فساد جنسی سیستم ملی را تضعیف می‌کنند. در آمریکا راست‌گرایان با شعار براندازی «دولت پنهان» جایگزین چه رادیکال قدیمی شده است. استیو پتر، استراتژیست سابق دونالد ترامپ، یک فرآیندهای عینی با مخالفت نخبگان غربی گلوبالیستی مواجه شده که آشوب ایجاد می‌کنند، مناقشات دیرینه و جدید را دامن می‌زنند و سیاست به‌اصطلاح بازدارندگی را دنبال می‌کنند که درواقع به‌معنای تضعیف هر گزینه کارگران آلمان» را رهبری می‌کرد.

آنچه درباره اوکراین اهمیت دارد بیش از چیزی است که بسیاری از مفسران متوجه آن هستند. در جهانی که گرفتار تغییرات آب و هوایی است، زمین حاصلخیز بیش از پیش دارای ارزشمند است و اگر اوکراین یک چیز به وفور داشته باشد «چیزمیر» «یا کما سیاه» است – خاکی بافشدت حاصلخیز، غنی از گیاهک، اسیدهای تصاده‌ها در هر «هویت متمایز» تمرکز می‌کند تا پل‌هایی میان گروه‌های مبارز و تحت‌ستم کشورهای مختلف ایجاد کند. از زمین‌های کشاورزی اوکراین را خریداری کرده‌اند که طبق گزارش‌ها، تنها ۱۰ شرکت خصوصی بیشتر آن را در اختیار دارند. دولت اوکراین که کاملاً متوجه خطر سلب مالکیت بود، ۲۰۰ میلیارد دلار فروش زمین به بیگانگان را موقفا ممنوع کرد. تا سال‌ها پس از این ممنوعیت، وزارت امور خارجه آمریکا، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی بارها خواستار رفع این محدودیت شدند. تنها در سال ۲۰۲۱ بود که دولت زلنسکی، تحت فشار شدید، سرانجام به کشاورزان اجازه داد که زمین‌های خود را بفروشند. بااین‌حال ممنوعیت فروش زمین به بیگانگان همچنان پابرجاست و آن‌طورکه زلنسکی گفته است لغو آن باید در یک همه‌پرسی ملی به رای گذاشته شود، که تقریباً به‌طور قطع رای نخواهد آورد. با وجود این طنز تلخ ماجرا این است که پیش از آنکه پوتین چنگی را برای استعمار اوکراین یا زور آغاز کند، استدلال روسیه مبنی بر اینکه اوکراین در حال تبدیل‌شدن به مستعمره اقتصادی غرب است، تاحدی حقیقت داشت.

اما مناقشه که مبنی داشته باشد، این است که پروژه تلویزیوالی موقفا متوقف شده است. از آنجایی که جنگ منظم سیخ اجتماعی و هماهنگ‌سازی تولید است، به اوکراین فرصتی منحصرمفرد می‌دهد تا هم سلب مالکیت اوکراینی‌ها در بهرگیری از این فرصت باید در نظر داشته باشند که صرف پیوست به اتحادیه اروپا و رسیدن به استانداردهای زندگی غربی کافی نیست. «موکراسی غربی اکنون خود در بحرانی عمیق گرفتار است، ایالات متحده به سوی جنگ داخلی ایدئولوژیک حرکت می‌کند و اروپا توسط خرابکاران اقتدارگر از درون سقوط خود به چالش کشیده شده است. اگر اوکراین بتواند به یک پیروزی نظامی قاطع دست یابد (همان‌طورکه همه باید امیدوار باشیم)، خود را عمیقاً مدیون آمریکا و اتحادیه اروپا خواهد یافت. آیا این حالت می‌تواند در برابر فشارهای به‌مراتب بیشتر برای سیردن خود به استعمار اقتصادی توسط شرکت‌های چندملیتی غربی مقاومت کند؟ این کشمکش در‌حال‌حاضر در یوز پوست مقاومت قهرمانانه اوکراین وجود دارد. مارگنکیز خواهد بود اگر اوکراین نتوانیم‌بالیسرم روسیه را شکست دهد تا خود را زیر یوغ تلویزیالیسم غربی درآورد. برای تضمین آزادی و استقلال واقعی، اوکراین باید خود را از نو بسازد. درحالی‌که مستعمره اقتصادی غرب‌شدن بهتر از هضم‌شدن در امپراتوری جدید روسیه است، هیچ‌ک از این نتایج به زنجی که اکنون اوکراینی‌ها تحمل می‌کنند، نمی‌انزد.



نگ

به یاد یدالله ربوایی

سکوت دسته‌گلی بود



محمود مستفایی

یدالله ربوایی (ربؤ) در سال ۱۳۲۱ متولد دامغان تحصیلات تربیت‌معلم را در دانشگاه به پایان رساند و به کار تدریس پرداخت. در جوانی به حزب توده پیوست و پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ دستگیر و به زندان افتاد. وی در ۲۲ سالگی با نام مستعار «ربؤ» شهروندی‌ها را در مطبوعات آن روزها به چاپ رساند. پس از دکترای اقتصاد پیش رفت. ربوایی مدتی هم در تلویزیون ملی ایران همکاری داشته است. وی از مؤسسان انتشاراتی روزن بود و چندین نشریه با همکاری دیگر شاعران منتشر کرده بود. در دهه چهل با ارائه مانیفست «حزب جمع» (باسامانیسم) اشعر نمایان عبور کرد و در شعر امروز نگرش تازه‌ای را بنیان نهاد و در منظر پدیدارشناسی هومرل به چگونگی این تحله شعری پرداخت، به لحاظ زبان، تصویرسازی، ترکیب‌ها، تناسب‌ها و نوعی آهنگ و وزن که در آن روزگار گفته می‌شد. پس از آن دومین شاعری بود که مورد توجه شاعران و منتقدان قرار گرفته بود. ربوایی سال ۱۳۵۸ از ایران مهاجرت کرد و به پاریس رفت و در آنجا به چاپ چندین مجموعه شعر و نقد پرداخت. گفتنی است که شعر حجم در سال‌های ۴۶ و ۴۷ حضور خود را در شعر نو اعلام داشت و بسیاری از شاعران «موج نو» به‌تدریج به گروه شارمار «حجم» پیوستند. ربوایی از بنیان‌گذاران شعر حجم، این یار نبود که شاعران «موج نو» دارای آشنفتگی بوده‌اند. در منظر ربوایی بسیاری از شاعران «موج نو» و شعر «رگبر» در روزگار خود نتوانستند درخششی در آن لحله شعری پیدا کنند داشته باشند و حرف چنانچه برای گفتش نداشتند. شعر یگانه‌ای شایع نوبانه تکنیک و اندیشه و احساس به‌شعوری در «موج نو» تآوری نبوتند. در این میان در سال ۴۸ گروهی از شاعران و هنرمندان پایه‌های شعر حجم را امضا کرده بودند، که پس از نشست‌های زیاد سرانجام این تحله شعری از سوی گروهی از شاعران پذیرفته شده بود. از چشم‌انداز شعر حزنه، من از آنرا سهل و قلا به نظر می‌رسد که سکوت، سکوت، دسته‌گلی بود، و میان هرگز، من از آنرا سهل و قلا به نظر می‌رسد که سکوت، سکوت، دسته‌گلی بود، و بر آبا پرنده باد، میان لاله صدا مها بدیشان بود، بر آبا، پرنده می یافت، بود، صدای درخت خسیر، و نور، نورتر درخشان، در آب، آینه‌ای ساخت/ که قاب روشنی از شعله‌های تاب داشت، نسیم و بوسه و پلک تو برآورد، پرنده/ داشت آتش و دود، میان حزنه/ من/ سکوت دسته‌گلی بود، (از شعرهای درباری، ۱۳۴۴).

از یدالله ربوایی نزدیک به ۱۶ عنوان کتاب شعر و نقد (از سوزی) شرحه اکنون در داخل و خارج از کشور چاپ شده است که معروفترین‌ها: ارجمله شعر «دریای‌ها»، «دلشنگ‌ها»، «دو پوست دارم»، «مقات کتب قبر»، «هلاک قله به وقت اندیشیدن»، «بر جاده‌های تپه» و است. ربوایی ۱۲ شهریور ۱۴۰۱ در نود سالگی در پاریس خاوش شد.



▲ مهم نیست کجا ایستاده باشیم، مهم این است که با هم باشیم. من دوست دارم؛ چون می‌دانم اولین مشکل مایه هشتم که کار نکرده‌ایم، این‌قدر در تناقض و تضاد با هم بوده‌ایم که جریان متفکر ما هرکدام چیزیه‌ای کوچک برای خود ساخته‌اند و انرژی‌شان را صرف ملت نمی‌کنند. کمی جلوتر از ملت حرکت نمی‌کنند. می‌خواستیم در دل قسم بخوریم که می‌خواهیم از این مردم باشیم و از خدا بخوایم به ما کمک کند تا مردم را در بفهمند. جوری که وقتی مردم به سینما می‌آیند، اطرافیان‌شان را در فیلم‌ها می‌بینند. در سکانس‌های ما دوربین همیشه بیرون سرفه است. اگر وارد سرفه می‌شد تصویر بهتر بود؛ اما این حرمتی است که باید مردم بفهمند. در فهرست‌شان راه رفتن روی قبر اشکالی ندارد؛ اما نباید روی قبرها ایستاد. اینها ستهای ارتجاعی نیست که فروماوش کنند. اینها حرمت‌های ما است. ما می‌خواستیم اینها را در جامعه جا بیندازیم؛ اما چوب لای چرخ ما می‌گذارند.

وقتی یک ایپزود از سریالی نشان داده می‌شود، شب همان فیلم در ماهواره نمایش داده می‌شود. چند مردم ماهواره می‌خرند و فیلم می‌بینند. ما کی‌رایت که نداریم. یا فیلم‌هایی ساخته می‌شوند و همه چیز را به تمسخر می‌نورند. تاریخ مسخره می‌شود. باری آن‌تکرای است و فقط این سینما مانور می‌دهد. سال ۱۳۶۲ ترکیه از ما درخواست کرد سینمایشان را تغییر دهیم. من بر ارای جان سینمای سربلای دعوت کرده بودند. فقط در اطراف استانبول شش شهر که من نشان دادم که داشتند سیرال می‌ساختند و سیرال‌هایشان در تمام کشورهای آسیایی میانه نمایش داده می‌شد و از خیلی از ما به لحاظ کسب ناملاکرات توانستند موفق‌تر باشند. البته سینما نمی‌گویم. بهتر هستند. همه شمت که تمام دنیا به ما توجه کرد. کشور کره شمالی سینما نداشت، امروز ما ۶ بهر آنها می‌ریم؛ از چه نظر هنری، چه تئولیه اقتصادی و تکنولوژی. احساس می‌کنم عده‌ای سینما را مزاحم می‌دانند، چون این سینما آدم به وجود می‌آورد و این آدم‌ها در گزاه‌های سیاسی حرفی رای گفتن داشتند. ممکن است آقای قلاتی، به تعداد تماشاجایش قد یک فیلم دیگر باشد اما به خاطر جایگاهش آن را از طریق اقتصادی که داشت وقتی در گزاه‌های ملت، سیاسی حرفی می‌زای مردم مهم بود. نمونه‌اش سال ۵۶. البته این اتفاق تکرار نخواهد شد. یک‌سری هم خانه‌نشین می‌شوند و دارند از بین می‌روند. اما دولت نسبت اول به‌شماره‌های تازه است. فقط هم با کارگردان‌هایی کار می‌کنند که دستوراتشان را به‌طور کامل انجام دهد. قبلاً دست‌کم کارگردان رست و خواسته‌ای داشت و وزارت ارشد حاشفی می‌کرد. این معلوم فیلم را چه کسی اعمال سلبیه می‌کرد و پول‌ها را کجا آمده. سینماها در انحصار کامل عده‌ای است که به از رای آن شاید درصد ناچیزی پرداخته با کرایه کردند. این است که می‌گویم سینما ورشکست شده است. سایت‌های ارائه‌دهنده فیلم با پلتفرم‌ها هم دست‌کشی است که اصلاً نمی‌تاسیم. معمولاً مدیران دولتی فیلم هستند. ما تصمیم‌گیرنده نیستند. سرمایه‌گذاران از پشت پرده تصمیم می‌گیرند و خواسته‌هایشان را از طریق واسطه تحمیل می‌کنند.

● **سفر وقتی زمان سینما شدید، سینما متفکر یا مؤلف را دنبال کردید. در فیلم‌های نگاه من وطن دوستی و عشق به آب و خاک دیده می‌شود که تلجی‌اش را نگاه من بیشتر در «شهر شکی» باشد. در مورد آن نوع فیلمسازی مثل «جاده‌های سرده» و «شهر شکی» بگویید.**

از ۶۲ سالگی من بهر رگشتم و شروع به فیلم‌سازی کردم. هیچ بودجه و دود و پول با فیلم‌های اولین سشن‌هایم شروع به کار نکرد. حکایت مولانا به دلایل متعدد برایم جالب می‌شوند. این رابطه که ما خودمان را نتاسیم نمی‌توانیم کار کنیم. «مهرنگسکه» و «گریز» از سجنه‌ها که متاسفانه خیلی‌ها گرفته‌اند. سال ۴۲ که تازه از ایران آمده بودم ما با حرف نوب، از ما ستم که فیلم بچانه دهایی را سی دقیقه کردند. از زمان اضراری تا انقلاب ایران بودم. هر رتم و دوباره رگشتم تا فرهنگ ایرانی را با قالب فیلم سازم. فرهنگ ایران سر له نبع است. به معنی چیزی جوی و برتری‌طلبی. از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که از روستا آمده و تازه فارغ‌التحصیل شده و چند سال کار کرده و باید پول هم بگیرد. چنین سینمایی چطور می‌آوند با مردم ارتباط برقرار کند. حساب دودوتا چهار ناست. این گوند باز هزینه‌های بزرگی جوی می‌شود. یک معلوم است. چون پیش از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که از روستا آمده و تازه فارغ‌التحصیل شده و چند سال کار کرده و باید پول هم بگیرد. چنین سینمایی چطور می‌آوند با مردم ارتباط برقرار کند. حساب دودوتا چهار ناست. این گوند باز هزینه‌های بزرگی جوی می‌شود. یک معلوم است. چون پیش از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که از روستا آمده و تازه فارغ‌التحصیل شده و چند سال کار کرده و باید پول هم بگیرد. چنین سینمایی چطور می‌آوند با مردم ارتباط برقرار کند. حساب دودوتا چهار ناست. این گوند باز هزینه‌های بزرگی جوی می‌شود. یک معلوم است. چون پیش از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که از روستا آمده و تازه فارغ‌التحصیل شده و چند سال کار کرده و باید پول هم بگیرد. چنین سینمایی چطور می‌آوند با مردم ارتباط برقرار کند. حساب دودوتا چهار ناست. این گوند باز هزینه‌های بزرگی جوی می‌شود. یک معلوم است. چون پیش از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که از روستا آمده و تازه فارغ‌التحصیل شده و چند سال کار کرده و باید پول هم بگیرد. چنین سینمایی چطور می‌آوند با مردم ارتباط برقرار کند. حساب دودوتا چهار ناست. این گوند باز هزینه‌های بزرگی جوی می‌شود. یک معلوم است. چون پیش از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که از روستا آمده و تازه فارغ‌التحصیل شده و چند سال کار کرده و باید پول هم بگیرد. چنین سینمایی چطور می‌آوند با مردم ارتباط برقرار کند. حساب دودوتا چهار ناست. این گوند باز هزینه‌های بزرگی جوی می‌شود. یک معلوم است. چون پیش از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که از روستا آمده و تازه فارغ‌التحصیل شده و چند سال کار کرده و باید پول هم بگیرد. چنین سینمایی چطور می‌آوند با مردم ارتباط برقرار کند. حساب دودوتا چهار ناست. این گوند باز هزینه‌های بزرگی جوی می‌شود. یک معلوم است. چون پیش از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که از روستا آمده و تازه فارغ‌التحصیل شده و چند سال کار کرده و باید پول هم بگیرد. چنین سینمایی چطور می‌آوند با مردم ارتباط برقرار کند. حساب دودوتا چهار ناست. این گوند باز هزینه‌های بزرگی جوی می‌شود. یک معلوم است. چون پیش از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که از روستا آمده و تازه فارغ‌التحصیل شده و چند سال کار کرده و باید پول هم بگیرد. چنین سینمایی چطور می‌آوند با مردم ارتباط برقرار کند. حساب دودوتا چهار ناست. این گوند باز هزینه‌های بزرگی جوی می‌شود. یک معلوم است. چون پیش از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که از روستا آمده و تازه فارغ‌التحصیل شده و چند سال کار کرده و باید پول هم بگیرد. چنین سینمایی چطور می‌آوند با مردم ارتباط برقرار کند. حساب دودوتا چهار ناست. این گوند باز هزینه‌های بزرگی جوی می‌شود. یک معلوم است. چون پیش از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که از روستا آمده و تازه فارغ‌التحصیل شده و چند سال کار کرده و باید پول هم بگیرد. چنین سینمایی چطور می‌آوند با مردم ارتباط برقرار کند. حساب دودوتا چهار ناست. این گوند باز هزینه‌های بزرگی جوی می‌شود. یک معلوم است. چون پیش از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که از روستا آمده و تازه فارغ‌التحصیل شده و چند سال کار کرده و باید پول هم بگیرد. چنین سینمایی چطور می‌آوند با مردم ارتباط برقرار کند. حساب دودوتا چهار ناست. این گوند باز هزینه‌های بزرگی جوی می‌شود. یک معلوم است. چون پیش از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که از روستا آمده و تازه فارغ‌التحصیل شده و چند سال کار کرده و باید پول هم بگیرد. چنین سینمایی چطور می‌آوند با مردم ارتباط برقرار کند. حساب دودوتا چهار ناست. این گوند باز هزینه‌های بزرگی جوی می‌شود. یک معلوم است. چون پیش از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که از روستا آمده و تازه فارغ‌التحصیل شده و چند سال کار کرده و باید پول هم بگیرد. چنین سینمایی چطور می‌آوند با مردم ارتباط برقرار کند. حساب دودوتا چهار ناست. این گوند باز هزینه‌های بزرگی جوی می‌شود. یک معلوم است. چون پیش از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که از روستا آمده و تازه فارغ‌التحصیل شده و چند سال کار کرده و باید پول هم بگیرد. چنین سینمایی چطور می‌آوند با مردم ارتباط برقرار کند. حساب دودوتا چهار ناست. این گوند باز هزینه‌های بزرگی جوی می‌شود. یک معلوم است. چون پیش از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که از روستا آمده و تازه فارغ‌التحصیل شده و چند سال کار کرده و باید پول هم بگیرد. چنین سینمایی چطور می‌آوند با مردم ارتباط برقرار کند. حساب دودوتا چهار ناست. این گوند باز هزینه‌های بزرگی جوی می‌شود. یک معلوم است. چون پیش از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که از روستا آمده و تازه فارغ‌التحصیل شده و چند سال کار کرده و باید پول هم بگیرد. چنین سینمایی چطور می‌آوند با مردم ارتباط برقرار کند. حساب دودوتا چهار ناست. این گوند باز هزینه‌های بزرگی جوی می‌شود. یک معلوم است. چون پیش از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که از روستا آمده و تازه فارغ‌التحصیل شده و چند سال کار کرده و باید پول هم بگیرد. چنین سینمایی چطور می‌آوند با مردم ارتباط برقرار کند. حساب دودوتا چهار ناست. این گوند باز هزینه‌های بزرگی جوی می‌شود. یک معلوم است. چون پیش از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که از روستا آمده و تازه فارغ‌التحصیل شده و چند سال کار کرده و باید پول هم بگیرد. چنین سینمایی چطور می‌آوند با مردم ارتباط برقرار کند. حساب دودوتا چهار ناست. این گوند باز هزینه‌های بزرگی جوی می‌شود. یک معلوم است. چون پیش از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که از روستا آمده و تازه فارغ‌التحصیل شده و چند سال کار کرده و باید پول هم بگیرد. چنین سینمایی چطور می‌آوند با مردم ارتباط برقرار کند. حساب دودوتا چهار ناست. این گوند باز هزینه‌های بزرگی جوی می‌شود. یک معلوم است. چون پیش از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که از روستا آمده و تازه فارغ‌التحصیل شده و چند سال کار کرده و باید پول هم بگیرد. چنین سینمایی چطور می‌آوند با مردم ارتباط برقرار کند. حساب دودوتا چهار ناست. این گوند باز هزینه‌های بزرگی جوی می‌شود. یک معلوم است. چون پیش از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که از روستا آمده و تازه فارغ‌التحصیل شده و چند سال کار کرده و باید پول هم بگیرد. چنین سینمایی چطور می‌آوند با مردم ارتباط برقرار کند. حساب دودوتا چهار ناست. این گوند باز هزینه‌های بزرگی جوی می‌شود. یک معلوم است. چون پیش از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که از روستا آمده و تازه فارغ‌التحصیل شده و چند سال کار کرده و باید پول هم بگیرد. چنین سینمایی چطور می‌آوند با مردم ارتباط برقرار کند. حساب دودوتا چهار ناست. این گوند باز هزینه‌های بزرگی جوی می‌شود. یک معلوم است. چون پیش از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که از روستا آمده و تازه فارغ‌التحصیل شده و چند سال کار کرده و باید پول هم بگیرد. چنین سینمایی چطور می‌آوند با مردم ارتباط برقرار کند. حساب دودوتا چهار ناست. این گوند باز هزینه‌های بزرگی جوی می‌شود. یک معلوم است. چون پیش از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که از روستا آمده و تازه فارغ‌التحصیل شده و چند سال کار کرده و باید پول هم بگیرد. چنین سینمایی چطور می‌آوند با مردم ارتباط برقرار کند. حساب دودوتا چهار ناست. این گوند باز هزینه‌های بزرگی جوی می‌شود. یک معلوم است. چون پیش از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که از روستا آمده و تازه فارغ‌التحصیل شده و چند سال کار کرده و باید پول هم بگیرد. چنین سینمایی چطور می‌آوند با مردم ارتباط برقرار کند. حساب دودوتا چهار ناست. این گوند باز هزینه‌های بزرگی جوی می‌شود. یک معلوم است. چون پیش از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که از روستا آمده و تازه فارغ‌التحصیل شده و چند سال کار کرده و باید پول هم بگیرد. چنین سینمایی چطور می‌آوند با مردم ارتباط برقرار کند. حساب دودوتا چهار ناست. این گوند باز هزینه‌های بزرگی جوی می‌شود. یک معلوم است. چون پیش از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که از روستا آمده و تازه فارغ‌التحصیل شده و چند سال کار کرده و باید پول هم بگیرد. چنین سینمایی چطور می‌آوند با مردم ارتباط برقرار کند. حساب دودوتا چهار ناست. این گوند باز هزینه‌های بزرگی جوی می‌شود. یک معلوم است. چون پیش از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که از روستا آمده و تازه فارغ‌التحصیل شده و چند سال کار کرده و باید پول هم بگیرد. چنین سینمایی چطور می‌آوند با مردم ارتباط برقرار کند. حساب دودوتا چهار ناست. این گوند باز هزینه‌های بزرگی جوی می‌شود. یک معلوم است. چون پیش از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که از روستا آمده و تازه فارغ‌التحصیل شده و چند سال کار کرده و باید پول هم بگیرد. چنین سینمایی چطور می‌آوند با مردم ارتباط برقرار کند. حساب دودوتا چهار ناست. این گوند باز هزینه‌های بزرگی جوی می‌شود. یک معلوم است. چون پیش از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که از روستا آمده و تازه فارغ‌التحصیل شده و چند سال کار کرده و باید پول هم بگیرد. چنین سینمایی چطور می‌آوند با مردم ارتباط برقرار کند. حساب دودوتا چهار ناست. این گوند باز هزینه‌های بزرگی جوی می‌شود. یک معلوم است. چون پیش از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که از روستا آمده و تازه فارغ‌التحصیل شده و چند سال کار کرده و باید پول هم بگیرد. چنین سینمایی چطور می‌آوند با مردم ارتباط برقرار کند. حساب دودوتا چهار ناست. این گوند باز هزینه‌های بزرگی جوی می‌شود. یک معلوم است. چون پیش از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که از روستا آمده و تازه فارغ‌التحصیل شده و چند سال کار کرده و باید پول هم بگیرد. چنین سینمایی چطور می‌آوند با مردم ارتباط برقرار کند. حساب دودوتا چهار ناست. این گوند باز هزینه‌های بزرگی جوی می‌شود. یک معلوم است. چون پیش از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که از روستا آمده و تازه فارغ‌التحصیل شده و چند سال کار کرده و باید پول هم بگیرد. چنین سینمایی چطور می‌آوند با مردم ارتباط برقرار کند. حساب دودوتا چهار ناست. این گوند باز هزینه‌های بزرگی جوی می‌شود. یک معلوم است. چون پیش از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که از روستا آمده و تازه فارغ‌التحصیل شده و چند سال کار کرده و باید پول هم بگیرد. چنین سینمایی چطور می‌آوند با مردم ارتباط برقرار کند. حساب دودوتا چهار ناست. این گوند باز هزینه‌های بزرگی جوی می‌شود. یک معلوم است. چون پیش از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که از روستا آمده و تازه فارغ‌التحصیل شده و چند سال کار کرده و باید پول هم بگیرد. چنین سینمایی چطور می‌آوند با مردم ارتباط برقرار کند. حساب دودوتا چهار ناست. این گوند باز هزینه‌های بزرگی جوی می‌شود. یک معلوم است. چون پیش از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که از روستا آمده و تازه فارغ‌التحصیل شده و چند سال کار کرده و باید پول هم بگیرد. چنین سینمایی چطور می‌آوند با مردم ارتباط برقرار کند. حساب دودوتا چهار ناست. این گوند باز هزینه‌های بزرگی جوی می‌شود. یک معلوم است. چون پیش از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که از روستا آمده و تازه فارغ‌التحصیل شده و چند سال کار کرده و باید پول هم بگیرد. چنین سینمایی چطور می‌آوند با مردم ارتباط برقرار کند. حساب دودوتا چهار ناست. این گوند باز هزینه‌های بزرگی جوی می‌شود. یک معلوم است. چون پیش از حد خود تریق کرده‌اید. دیگر مسئله این فیلم‌سازی نیست. فقط دود هم جمع می‌شوند. این کار اسکندها جذب سینما می‌شود. مثلاً شما الان با لایحه فیلم می‌سازید و پول ندارید، پول می‌گویید یک میلیارد پول می‌دهم تا فلان نقش را بازی کنید. خیلی باید باقلا بسایید. قول نگیرید و کی‌گوید این نقش چی‌کس است که



صراحت سروش، خاموشی تاج

خاطی بگوید «آخرین‌بارت باشد که از این غلط‌ها می‌کنی»، سخنران افراطی با اشاره به حمایت ورزشکاران از همراهی مردم در اتفاقات اخیر با نسبت‌دادن الفاظ تاشایست به همسران بازیکنان فوتبال گفته بود که حمایت فوتبالیست‌ها از این جریان به خاطر راحتی زنان خودشان است. سروش رفیعی ولی می‌گوید دیگر این‌طور هم نیست که کسی به البته یحیی گل‌محمدی سرمربی این تیم، پس از بازی، حساسی خیرساز شده است. هر دو در کنار دیگر بازیکنان و اعضای کادر فنی پرسپولیوس اعتقاد داشتند که فوتبال اصلا پرایشان اهمیت نداشته و مهم نیست که چه نتیجه‌ای رقم خورده است. پس حرف‌های این دو چهره پرسپولیسی، کدهای زیادی نهفته است که یحیی از آن به‌عنوان یک اتفاق غیربطیعی که نمی‌تواند درباره‌اش حرف بزند، یاد کرد و سروش رفیعی هم با اشاره به زنگ‌ها و فراخوان‌هایی که صورت گرفته، کمی به حل‌کردن معمای موجود کمک کرده است.

کسی این آقا را کردن نمی‌گیرد

سروش رفیعی، هافبک خلاق باشگاه پرسپولیوس بعد از بازی با تراکتور در میکسدزون روبه‌روی خبرنگاران ایستاد. او با وجود آنکه بی‌حوصله نشان می‌داد ولی با یک اقدام مهم، نشان داد می‌خواهد حرف‌های مهمی بزند. سروش از این گفت که «هرکسی که می‌تواند حرف‌هایش را پخش کند، نباید جلو». مشخص بود که بازیکن پرسپولیوس قرار است حرف‌هایی بزند که گفتش چندان راحت نیست. با شروع صحبت‌های سروش رفیعی مشخص شد او قرار است به بخشی از حرف‌های یحیی گل‌محمدی رجوع کند که قبل از دیدار با تراکتور در کنفرانس خبری زده بود. سروش با اشاره به سخنان یک سخنران افراطی (برای دامن‌زدن به توهم خودبزرگ‌بینی شخص مورد نظر، اسمی از او در این مطلب نمی‌آید) که به طرز عجیبی صاحب تریبون است و از به‌کاربردن الفاظ رکیک و توهین‌های زشت به بازیکنان فوتبال ابایی ندارد، گفت که ما هم حواسمان هست تا ناموس و زن و زندگی چیست؛ «راستشش نه حال و حوصله حرف‌زدن در مورد فوتبال هست و نه اصلا مهم است برای من که چه اتفاقی افتاده. کاش بازی را نباخته بودیم و این حرف‌ها را می‌زدم ولی اصلا حال و حوصله بازی‌کردن نداریم. اصلا حال و حوصله اینکه بازی کنیم نداریم. اما آدم‌یم و همین‌جوری بازی کردیم و این هم شکل برگزاری بازی‌هایمان است. ولی یک چیزهایی آدم‌ها را اذیت می‌کند. ما که نبودیم و ندیدیم اما اینکه بگویم در این مملکت ... به خاطر خاک و زن و بچه و ناموس و وطن این کارها را کردند، به ما هم رسید. ما هم حواسمان هست ناموس و زن و زندگی چیست. یک چیزهایی فهمیدیم. بگذار این‌جوری شروع کنم؛ اینکه هرکسی بخواهد در مورد یک‌سری مسائل، ما، فوتبالیست‌ها و ورزشکاران حرف بزند و سرمان را بیندازیم پایین و همین‌جوری رد بشویم و هرچی شد، شد. دیگر این‌جوری هم نیست و ما این‌قدر هم بدبخت نیستیم که... هر‌جا زورشان می‌رسد اسم فوتبالیست را می‌آورند و نمی‌دانم ما چه ظلمی کردیم اما این‌طوری نیست که ما ساکت بمانیم».

چند روز قبل از آنکه یحیی گل‌محمدی در کنفرانس خبری پرسپولیوس خطاب به فرد

ایران در شوک ساعت ۱۱:۳۰

مرحله مقدماتی شان‌زده‌مین دوره مسابقات فوتسال قهرمانی آسیا روز یکشنبه به پایان رسید تا هشت تیم حاضر در مرحله یک‌چهارم نهایی مشخص شوند. بر اساس نتایج رقم خورده، تیم‌های تایلند و کویت از گروه A، ازبکستان و تاجیکستان از گروه B، ایران و اندونزی از گروه C و ژاپن و ویتنام از گروه D جواز حضور در مرحله حذفی را به دست آوردند. تیم اندونزی در حالی با محمد هاشم‌زاده، مربی ایرانی خود در گروه ایران صعود کرد که سیدمحمد ناظم‌الشریعه دیگر مربی ایرانی با تیم عراق در مرحله مقدماتی حذف شد و در صعود ناکام ماند. در مرحله یک‌چهارم نهایی که امروز سه‌شنبه برگزار می‌شود، تایلند به مصاف تاجیکستان می‌رود و کویت میزبان رو در روی ازبکستان قرار می‌گیرد. همچنین ایران که به عنوان صدرنشین گروه C راهی مرحله حذفی شد، با ویتنام دیدار می‌کند و ژاپن باید اندونزی را با مربی ایرانی خود پشت‌سر بگذارد. تقابل ایران و ویتنام درحالی صورت می‌گیرد که حدود ۲۰ روز پیش در تورنمنت تدارکاتی تایلند این دو تیم به مصاف هم رفتند که شاگردان شمسایی در آن مسابقه ۳ بر ۱ پیروز شدند. از این جهت، ویتنام که تیم سرحال و قدرتمندی هم نشان داده است، حریف آشنایی برای ملی‌پوشان کشورمان محسوب می‌شود. با این حال، معضل جدیدی که فوتسال ایران با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند، نه رقابتش با ویتنام در این مرحله از رقابت‌ها بلکه ساعتی است که قرار است این بازی برگزار شود. کنفدراسیون فوتبال آسیا در تصمیمی بحث‌برانگیز خواسته تا ایران و ویتنام از ساعت ۱۱:۳۰ صبح به مصاف هم بروند. این موضوعی است که باعث شده وحید شمسایی، سرمربی تیم ملی ایران، حساسی شاکی شود. وحید شمسایی سرمربی تیم ملی فوتسال ایران در کنفرانس خبری قبل از بازی ویتنام ابتدا گفت: «برای یک بازی خوب و تماشاگیرسند آماده‌ایم. با تیم ویتنام که با مربی

بسیار خوبی که در گذشته هم توانسته تیم آرژانتین را قهرمان جهان کند، دیدار خواهیم داشت». از نظر من بازی در مرحله حذفی بازی مرگ و زندگی است. در صورت برد به مرحله بعدی صعود می‌کنیم و در جمع چهار تیم برتر فوتسال آسیا قرار می‌گیریم و در صورت باخت هر تیم به کشور خود برمی‌گردد. ما در این بازی حق اشتباه نداریم و تمام تلاشمان را برای پیروزی و برد ویتنام می‌کنیم». سرمربی تیم ملی فوتسال ایران در پاسخ به سؤال سایت AFC مبنی بر صحبت‌های سرمربی تیم ویتنام که در نشست خبری قبل بازی اعلام کرده است که تیم ایران مهاجمان خوبی دارد و تیم ویتنام هم در دفاع



حرف می‌زنیم و از حسین ماهینی دفاع می‌کنیم صد بار به ما زنگ می‌زنید و از ۱۰ جا می‌خواهید و شب بازی سراغمان می‌آید اما یکی نباید و به ناموس ما هرچیزی بگوید و برود اشکالی ندارد؟». مشخص است کدهای ارائه‌شده مربوط به شایعه‌ای است که شب قبل از دیدار با تراکتور درباره پرسپولیسی‌ها مطرح شد. در واقع این‌طور شایعه شد که تعدادی از بازیکنان پرسپولیوس به همراه کریم باقری، مربی این تیم از سوی یکی از نهاده‌ها فراخوانده شده و در آن‌جا به صورت جدی بابت استوری و حمایت‌هایی که از حسین ماهینی و اتفاقات رخ‌داده در ایران داشته‌اند بازخواست شده‌اند. امری که حتی باعث به‌وجودآمدن این شایعه شد که بازیکنان این تیم تصمیم گرفته بودند قید بازی با تراکتور را هم بزنند. این موضوع اصلی‌ترین دلیلی بود که هم سرمربی و هم بازیکنان پرسپولیوس اعتقاد داشتند صحبت‌کردن درباره فوتبال بعد از شکست این باشگاه مقابل تراکتور اهمیتی ندارد و باید در چنین شرایطی بی‌خیال فوتبال شد.

مهدی تاج کجاست؟

مشکلی که سروش رفیعی و یحیی گل‌محمدی به تازگی به آن اشاره کرده‌اند همان موردی است که پیش‌تر هم وجود داشته است. فارغ از بخش دوم صحبت‌های یحیی و سروش که اشاره نصفه‌نیمه به بازخواست آنها داشته است، این مسئله که صحبت‌های سخنران افراطی، بازیکنان فوتبال را آزرده‌خاطر کرده و هیچ نهادی هم قصد برخورد با توهین‌های او را ندارد تبدیل به یک معضل جدی شده است. نباید از یاد برد که قبل از اینها، سردار آزمون فردای همان روزی که این سخنران به همسران بازیکنان فوتبال توهین کرد، از کوره در رفت و استوری تندتویزی در اینستاگرام منتشر کرد. نکته جالب اینکه چنین فردی را همان‌طورکه سروش رفیعی هم عنوان کرده کسی کردن نمی‌گیرد ولی عجیب آنکه با وجود توهین‌های تندوتیزش همچنان برایش تریبون فراهم می‌کنند تا بتواند اظهارات جنجالی‌اش را بدون داشتن کوچک‌ترین دغدغه‌ای بیان کند. در چنین فضایی است که باید این پرسش را مطرح کرد که مهدی تاج، رئیس فدراسیون فوتبال کجاست و چرا حمایتی از بازیکنان فوتبال نمی‌کند؟ با توجه به وضعیت و پیشینه مهدی تاج، کسی از او توقعی برای حمایت از بازیکنان فوتبال در داستان استوری و حمایت از مرگ مهسا امینی ندارد ولی آیا آقای رئیس نمی‌تواند حرکتی هرچند خفیف و ناچیز در حمایت از بازیکنان فوتبال انجام دهد تا این‌طور و آشکارا از سوی یک شخص مورد توهین قرار نگیرند؟ عجیب است که مهدی تاج این روزها حمایت مسئولان باشگاه پورتو و البته شهردار این شهر از مهدی طارمی درباره مسئله‌ای بسیار جزئی‌تر را می‌بیند ولی حاضر نیست نسبت به توهین‌های علنی به بازیکنان فوتبال و خانواده‌های آنها حتی در حد بیانیه، قدمی بردارد. طارمی چند ماهی می‌شود که در پرتغال متهم به شیرجه‌زدن برای گرفتن پالتای می‌شود. همین اتهام را ولی مسئولان باشگاه و شهر پورتو برنمی‌تابند و تمام و کمال از بازیکن ایرانی تیمشان حمایت می‌کنند. حالا سکوت مهدی تاج درست در روزهایی که باید نشان دهد فقط «صندلی» برایش مهم نیست، از آن دست اتفاقاتی است که با هیچ بهانه‌ای قابل توجیه نخواهد بود.

اخبار برگزیده

دور گروهی جام ملت‌های فوتسال به روایت آمار

آمار تیم‌های مرحله گروهی جام ملت‌های فوتسال آسیا نشان می‌دهد که شاگردان شمسایی موفق به تصاحب بهترین خط حمله و بهترین خط دفاع شدند. به گزارش ایسنا، دور گروهی جام ملت‌های فوتسال آسیا به پایان رسید و هشت تیم برتر حاضر در مرحله یک‌چهارم نهایی مشخص شدند. تایلند، کویت، ایران، ازبکستان، تاجیکستان، اندونزی، ژاپن و ویتنام تیم‌های راه‌یافته به یک‌چهارم نهایی بودند. در مجموع ۲۴ بازی برگزارشده در مرحله گروهی، ۱۴۸ گل به ثمر رسید که میانگین ۶.۱۷ گل را در هر بازی ثبت شده است. تیم ملی ایران با ۲۴ گل زده، صاحب بهترین خط حمله بود و ازبکستان با ۱۷ گل در جایگاه دوم ایستاد. همچنین شاگردان شمسایی با یک گل خورده، بهترین خط دفاع مرحله گروهی را به خود اختصاص دادند و ژاپن با دو گل خورده و ازبکستان با سه گل در جایگاه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. در جدول گل‌زنان، حسین طویلی از ایران و گوربانگلدی ساحدوف از ترکمنستان با شش گل در صدر جدول گل‌زنان قرار دارند و با توجه به حذف ترکمنستان در مرحله گروهی، طویی با ۵ گل برترین گل‌زن است. **Pishkhan.com** که عنوان آقای گل این مسابقات را از آن خود کند. البته سعید احمدعباسی از ایران، سردارف و ادریس یوروف از تاجیکستان با پنج گل در تعقیب طویی هستند. سلیم فیصل عراقی نیز موفق شد در دور گروهی پنج گل به ثمر برساند اما به دلیل حذف تیمش از جام ملت‌های فوتسال آسیا، شانسی برای رسیدن به حسین طویی ندارد. در مرحله گروهی این مسابقات پنج گل به خودی در روز سه‌شنبه مورخ سوم آبان ساعت ۱۹:۰۰ مقابل ایران، جونگ وو از کره جنوبی مقابل ژاپن، بایرام‌وردیف از ترکمنستان مقابل تاجیکستان، دوان فت از ویتنام مقابل عربستان سعودی و شینگ جون هون از کره‌جنوبی برابر ویتنام به اشتباه دروازه تیم‌های خود را باز کردند.

تاریخ انتخابات فدراسیون سوارکاری مشخص شد

مجمع فوق‌العاده انتخابات فدراسیون سوارکاری با دستور تجدید انتخابات، سوم آبان سال جاری برگزار می‌شود. بر اساس نامه محمد پولادگر، معاون توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای وزارت ورزش و جوانان به حیدری، سرپرست فدراسیون سوارکاری با درخواست اعضای فدراسیون سوارکاری جهت برگزاری مجمع عمومی به طور فوق‌العاده با دستور تجدید انتخابات در روز سه‌شنبه مورخ سوم آبان ساعت ۱۰ صبح موافقت می‌شود. گفتنی است در ابتدا پس از تفاهم صورت‌گرفته بین محمد پولادگر، معاون توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای وزارت ورزش و آرش فرهادیان، سرپرست دفتر امور مشترک فدراسیون‌ها با مسعود خلیلی، رئیس سابق فدراسیون سوارکاری، تصمیم بر این شد تا انتخابات فدراسیون سوارکاری در تاریخ ۲۱ خرداد سال جاری که از سوی وزارت ورزش و جوانان به دلیل عدم حضور نماینده این وزارتخانه به عنوان نهاد نظارتی مورد قبول واقع نشد، تجدید شود. پس از آن نیز اعلام شد مجمع انتخاباتی فدراسیون سوارکاری در حالی ۱۶ مهر سال جاری با اعلام رئیس سابق این فدراسیون به ایسنا تجدید می‌شود که همان نامزدها و اعضا در مجمع فوق‌العاده انتخاباتی شرکت خواهند کرد. بنابراین در نهایت با ابلاغ معاون توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای وزارت ورزش و جوانان به سرپرست فدراسیون سوارکاری، قرار است انتخابات این فدراسیون سوم آبان سال جاری برگزار شود.

۲ دستیار ایرانی در کنار سرمربی کره‌ای تیم ملی تیروکمان

دو دستیار ایرانی تیم‌های ملی کامپوند و ریکرو به منظور فعالیت در رده سنی جوانان و بزرگسالان، انتخاب شدند. پس از انعقاد قرارداد فدراسیون تیراندازی با کمان با هونگ سونگ کره‌ای که در فاز اولیه به صورت شش‌ماهه بوده و در صورت توافق دو طرف، این قرارداد تا پایان المپیک ۲۰۲۴ پاریس تمدید خواهد شد. دو مربی ایرانی به عنوان دستیاران این سرمربی کره‌ای انتخاب شدند. «هو» از اول مهرماه هدایت تیم ملی جوانان و بزرگسالان ایران را بر عهده گرفته است و براساس تاکید فدراسیون تیراندازی با کمان باید دستیاران این سرمربی کره‌ای به دلیل لحاظ منافع ملی و توجه به مقوله دانش‌افزایی از بین مربیان ایرانی انتخاب می‌شوند که در نهایت مجید قیدی در کامپوند و امین یورعلی در ریکرو انتخاب شدند و به‌عنوان دستیاران ایرانی در اردوهای تیم‌های ملی جوانان و بزرگسالان، حاضر خواهند بود.

مدیر ورزشگاه آزادی برکنار شد

احمد مددی، مدیر ورزشگاه آزادی، از مدیریت این مجموعه برکنار شد و علی‌رضا فاضلی طی حکمی از سوی مدیرعامل شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی سرپرست ورزشگاه آزادی شد. به گزارش ایسنا، احمد مددی که ششم مهر سال گذشته با حکم علیرضا عاصم‌یوسفی مدیرعامل شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی مدیریت ورزشگاه آزادی را بر عهده گرفته بود، دوشنبه ۱۱ مهر از این سمت برکنار شد و علی‌رضا فاضلی مدیر امور اداری و تدارکات شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی سرپرست جدید ورزشگاه آزادی شد. گفته می‌شود قطعی روز گذشته برق به مدت نیم‌ساعت قبل از بازی پرسپولیوس و تراکتور و عقب‌افتادن زمان برگزاری بازی، در برگزاری احمد مددی از سوی مدیرعامل شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی بی‌تأثیر نبوده است.

محرومیت ۲ساله یک وزنه‌بردار ایرانی زیر سن قانونی

یک وزنه‌بردار ۱۷ساله پسر ایرانی به دلیل مصرف ماده ممنوعه دوپینگ، دو سال از حضور در تمامی فعالیت‌های ورزشی محروم شد. شسورای صدور رای ایران نادو پس از بررسی‌های لازم، یک ورزشکار رشته وزنه‌برداری را به مدت دو سال از تمامی فعالیت‌های ورزشی محروم کرد. نام این وزنه‌بردار ۱۷ساله پسر، طبق بند ۷.۳ ماده ۱۴ مجموعه قوانین ستاد ملی مبارزه با دوپینگ ایران به دلیل اینکه زیر سن قانونی است، محرمانه خواهد بود. ماده ممنوعه مصرفی این وزنه‌بردار کلومیفن و از گروه S۲ بوده و تاریخ محرومیت وی از ۱۴۰۱.۰۵.۰۱ تا ۱۴۰۳.۰۴.۳۱ است.

برگزاری اردوی تیم ملی هندبال زنان با حمایت یک باشگاه

اردوی آماده‌سازی تیم ملی هندبال بانوان برای حضور در رقابت‌های قهرمانی آسیا برگزار می‌شود. به گزارش خبرنگار مهر، اردوی آماده‌سازی تیم ملی هندبال بانوان ایران برای حضور در رقابت‌های قهرمانی آسیا با حمایت باشگاه سنگ آهن بافق بزد از ۱۳ مهرماه برگزار می‌شود. ۲۱ بازیکن دعوت‌شده به این اردو از روز ۱۳ مهرماه لغایت ۲۱ مهرماه تمرینات خود را برای حضور در رقابت‌های قهرمانی آسیا دنبال می‌کنند. تیم ملی هندبال بانوان ایران با حمایت باشگاه فرهنگی ورزشی سنگ آهن بافق بزد در مسابقات قهرمانی زنان آسیا (انتخابی قهرمانی جهان) در کشور کره‌جنوبی شرکت خواهد کرد. مسابقات هندبال قهرمانی زنان بزرگسال آسیا از ۳ تا ۱۹ آذر در کره‌جنوبی برگزار می‌شود.

فوتسال در امروز

ایران – ویتنام ۱۱:۳۰	ایتر – پارسلونا ۲۲:۳۰
مارسی – اسپورتینگ ۲۰:۱۵	کلوب‌بروز – اتلتیکوما‌درد ۲۲:۳۰
آین مونیخ – ویکتوریا پلزن ۲۰:۱۵	پورتو – لورکوزن ۲۲:۳۰
آژاکس – نابولی ۲۲:۳۰	لیورپول – گلاسکو ۲۲:۳۰
آینتراخت – تاتنهام ۲۲:۳۰	

واکنش اعضای شورای شهر تهران به جابه جایی مدیران در شهرداری تهران

صندلی بازی در بهشت

در حالی که مدیران ارشد شهرداری تهران در حال برگزاری جلسه‌ای در خصوص عملکرد خود در سال گذشته هستند، واکنش اعضای شورای شهر تهران به جابه جایی مدیران در شهرداری تهران، به گونه‌ای است که می‌تواند به یک بحران جدی برای این نهاد منتهی شود.

نورا حسینی: شهردار تهران این روزها در مراسم معارفه معاونان سابقش شرکت می‌کند و گواهی به کار آمدی آنها می‌دهد. اما مشخص نیست با این سطح رضایت از عملکرد آنها چرا دست به جابه جایی و تغییر مدیران سابقش زده است. او در مراسم معارفه معاون حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری تهران گفته است که می‌توانم شهادت دهم که آقای شفیع‌ی در این یک سال دوره مسئولیت، برای شهر کم‌فروشی نکرد و تمام علم و دانش و تلاش را برای شهر به کار گرفت و با همه وجودم از ایشان تشکر می‌کنم؛ تشکر دیگر از ایشان هم به این دلیل است که پذیرفت هم به عنوان مشاور شهردار و هم به عنوان مدیرعامل سازمان حمل‌ونقل در خدمت ایشان باشیم. در دوره جدید شرایط ویژه‌ای را باید دنبال کنیم؛ سال گذشته جنبه اشراف و انجام اقدامات زیرساختی داشت تا بتوانیم در مسیری قرار بگیریم که با مسئولیت‌پذیری که نسبت به مسائل تهران داریم، گره از زندگی مردم باز کنیم لذا سال قبل در حوزه مالی و اقتصادی طبق آخرین برداشتی که صورت گرفت، موفق شدیم که ۹۹ درصد از منابع را محقق کنیم.

شهردار تهران در مراسم خداحافظی ابوالفضل فلاح معاون سابق مالی شهرداری که تنها یک سال در شهرداری تهران فعالیت کرد، گفت که در کام و سال اول مدیریت شهری از گرندهایی مانند تنش مالی و رکود در شهر عبور کردیم. تدابیر آقای فلاح در معاونت مالی باعث شد که ۹۹ درصد منابع نقد و غیرنقد را تأمین کنیم و در کنار آن سامان‌یافتگی بحث دستمزد پرسنل، فرصتی برای ما فراهم کرد که بتوانیم بدون دغدغه پرداخت حقوقشان را داشته باشیم.

او در وصف کارنامه یک‌ساله مدیر کنار گذاشته شده گفت: اصلاح رویه‌ها و ایجاد شرایط مناسب برای استیفای حق و حقوق شهر در این یک سال انجام شد. به عنوان مثال در بازپس‌گیری املاک، بحث ارزش‌افزوده و دریافت امکانات از طریق دولت و تزریق آن به مجموعه و نیز تصحیح روندها و رویه‌ها شرایط را برای ما مطلوب‌تر کرد.

زاکانی عبور از ابهامات و ایجاد شفافیت را سرفصل دیگری از اقدامات برشمرد و ادامه داد: این کارها انجام شد تا براساس آن از بسیاری از مفسده‌ها جلوگیری شود و نیز کارهای مؤثر دیگری مانند خرید از بورس و ارائه املاک به صورت شفاف در بورس برانداخته شود. در زمینه جنبه‌های مشارکتی هم اقدامات بسیار خوبی از جمله شناسایی ۲۳۱ پروژه انجام شد. سجاد محمدعلی‌نژاد مشاور و مدیرکل حوزه شهردار

«شرق» از انتقاد ناشنویان گزارش می‌دهد

اختلال در اینترنت ومشقت‌های ناشنویان

سمیه جاهدعطایان: موانع برای یک ناشنوا زیاد است؛ برقراری تماس با اورژانس، آتش‌نشانی، اسنپ و تاکسی‌های اینترنتی، مراجعه به پزشک، پلیس و... کار بسیار دشواری است. اگر یک کار فوری و حیاتی پیش آید، نمی‌توانند اورژانس خبر کنند. تنها با وجود یک رابط و مترجم زبان اشاره می‌توانند به پزشک بروند یا در بیمارستان بستری شوند. «مهشید» ۳۸ سال دارد و ناشنواست؛ او از رسانه‌ها انتقاد دارد: «سالی یک بار سراغ افراد ناشنوا می‌آیند مثل اینکه بعد از این روز مشکلات ما حل شده و دیگر مشکلی نداریم در حالی که مشکلات ما همیشگی، ریشه‌ای و بسیار طاقت‌فرساست. ما امسال دیگر به مناسبت هفته جهانی ناشنویان مجبور به سکوت بودیم، چراکه فقط اینترنت مختل نشده بلکه مشکلات ما ناشنویان هم مختل شده است. وقتی اینترنت نداریم دیگر از وجود کدام‌یک از مشکلاتمان صحبت کنیم؟».

او به‌تازگی زایمان کرده و تمام جلسات و دوره‌های جکاپ را با یک رابط و مترجم در مطب دکتر زنان و زایمان همراه شده است. او می‌گوید: «رابط و مترجم من، از دوستانم بوده اما بسیاری از ناشنویان برای مشکلات درمانی‌شان نمی‌توانند با یک مترجم و رابط راحت باشند یا نمی‌شود به همه‌شان اعتماد کرد و آنها را با خود به اتاق پزشک برد. ما ناشنویان در بسیاری از موارد مگر در زمان‌های اورژانسی که دیگر درد به سراغمان می‌آید، به پزشک مراجعه می‌کنیم و در بیشتر موارد خوددرمانی می‌کنیم و قید رفتن به مطب و مراجعه به متخصص را می‌زنیم. ما سختی‌های زیادی به خاطر سخت‌بودن ارتباط با دیگران داریم و این روزها که دسترسی به فضای مجازی سخت‌تر شده و اینترنت هم مختل می‌شود، مشکلاتمان مضاعف و نگرانی‌هایمان چندین برابر می‌شود.

بی‌کاری و نگرانی ناشنویان از قطعی اینترنت

«شید شهبیدی» فعال حقوق ناشنویان مشکلات افراد ناشنوا را بسیار دیرینه دانسته و نسبت به حل‌نشدن بسیاری از مشکلات قدیمی و ریشه‌ای، انتقادات فراوانی دارد. او و خانواده‌اش با مشکلات ناشنوایی دست و پنجه نرم می‌کنند و قطعی این روزهای اینترنت زندگی‌شان را مختل کرده است؛ «امسال به مناسبت هفته جهانی ناشنویان به جای آنکه در عصر ارتباطات در مورد مسائل مهم‌تری که از دغدغه‌های افراد ناشنوا و کم‌شنواست، صحبت کنیم، باید به قطعی اینترنت هم اشاره کنیم که مشکلات بسیار زیادی را برایمان ایجاد کرده است. این یعنی پسرقت و عقبگرد؛ مادرم ناشنواست و تنها زندگی می‌کند. سن بالایی دارد و باید هر روز با او به وسیله تماس تصویری، ارتباط برقرار کنم اما متأسفانه اختلال اینترنت مشکلات زیادی را برای ما و بسیاری از افراد ناشنوا به وجود آورده است. نگران هستم که اگر مادر سالخورده‌ام بیمار شود و شرایط اورژانسی پیدا کند، چطور می‌توانم متوجه شوم و به او کمک کنم». وی شرایط زندگی افراد ناشنوا را با وجود داشتن اینترنت، امکان استفاده از فضای مجازی و امکان برقراری ارتباط تصویری بهتر و مفیدتر می‌داند و می‌افزاید: «در حال حاضر ۹۰ درصد از جامعه ناشنویان به‌خصوص افرادی که به دلیل سن بالا یا کم‌سودای، توان نوشتن و زدن پیام ندارند، از طریق تماس تصویری امکان برقراری ارتباط و تعامل با دیگران را دارند. اشتغال

تعداد زیادی از افراد ناشنوا هم به اینترنت و فضای مجازی نیاز دارد که اختلال اینترنت مشکلات جدید و فراوانی ایجاد کرده و بسیاری از ناشنویان شغل خود را از دست داده‌اند و بسیار نگران هستند. پیداکردن شغل جدید برای ناشنویان بسیار سخت و اغلب ناممکن است و ما در بیشتر مواقع مجبور هستیم به واسطه اینترنت و فضای مجازی کار کنیم».

این فعال حقوق ناشنویان سختی‌های افراد کم‌شنوا و ناشنوا را روزافزون و طاقت‌فرسا توصیف می‌کند که از دسترس خارج‌شدن فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بی مشکلاتشان می‌افزاید: «ما حمایت نمی‌شویم، مستمری بهزیستی برای افراد ناشنوا بسیار ناچیز است. مصرف اینترنت ناشنویان بالا بوده و به خاطر برقراری تماس‌های تصویری مجبور به خرید مداوم و بالای حجم و بسته‌های اینترنت هستند که البته ناشنویان در این مورد ناچار هستند و در این زمینه با هر سختی و فشاری هزینه می‌کنند. اما قطع‌شدن اینترنت برایمان بسیار مشکل‌ساز شده است. رابطه ما با همه قطع شده و به‌خاطر ترافیک و هزینه‌های رفت‌وآمد امکان ملاقات حضوری هم کمتر برایمان فراهم می‌شود».

ناشنویان، توانمندان بی‌حمایت

«مهسا خان‌احمدی» هنرمند و مدرس نقاشی برای افراد ناشنوا و شنواست که در رشته نقاشی به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته و آثار هنری ارزنده‌ای از خود بر جا گذاشته است؛ از ابتدای تولد ناشنوا بوده اما به لب‌خوانی تسلط بسیاری دارد. این فعال و هنرمند حوزه معلولان درمورد مشکلات متعدد جامعه ناشنویان به خبرنگار «شرق» چنین می‌گوید: «سال‌ها گفتم و تقاضا کردم که ناشنویان برای برقراری ارتباط در زندگی روزانه و برای کارهای مهم به رابط و مترجم نیاز دارند. ما برای زمان ویزیت پزشک، بیمارستان، دادگاه، کلاントری، انجام کارهای ضروری اداری و... مشکلات زیادی داریم. بارها در مراجعه به بیمارستان یا مطب پزشک، مشکلات و مسائل را روی کاغذ نوشتیم و به پزشک گفتم که ناشنوا

هستیم اما پزشک به دلیل عدم آگاهی یا هر بهانه دیگر، باز ماسکش را روی صورت گذشته و کمکی برای برقراری ارتباط درست با ما نکرده است. بارها وقتی با وجود ماسک متوجه صحبت‌ها و سؤالات دکتر نمی‌شویم، عصبانی می‌شوند و توضیح ما برایشان قانع‌کننده نبوده است. البته پزشکانی هم هستند که همکاری خوبی دارند. دوران کرونا بر ما بسیار سخت گذشت و ما همچنان به خاطر ماسک با مشکلات ارتباطی زیادی روبه‌رو هستیم».

او وجود رابط ناشنویان را با وجود حمایت‌های دولتی از ناشنویان برای پرداخت هزینه‌ها مؤثر می‌داند؛ «بسیاری از ناشنویان توان پرداخت هزینه‌های رابطان را ندارند. اگرچه رابطانی وجود دارند که به صورت خودجوش به افراد ناشنوا کمک می‌کنند اما افراد ناشنوا نمی‌توانند و نمی‌خواهند از این کمک‌های دلسوزانه رابطان بهره‌مند شوند و از طرفی توان پرداخت هزینه همراهی با آنها و پرداخت هزینه رفت و برگشتشان را هم ندارند؛ حمایت‌هایی که از افراد دارای معلولیت می‌شود بسیار بیشتر از حمایت‌های صورت‌گرفته از افراد ناشنوا و کم‌شنواست چراکه معلولیت این افراد پنهان بوده و به چشم

نمی‌آید. این در حالی است که افراد ناشنوا توانمندی، هوش و استعداد بسیار زیادی دارند که در صورت حمایت از آنها افراد مفید و مؤثرتری برای جامعه خواهند بود».

گرانی تعمیر سمک‌های خراب و فرسوده

«اکرم لیاق‌خانیک»، مدیر سابق مدرسه باغچه‌بان یک (مدرسه ویژه ناشنویان)، در گفت‌وگو با خبرنگار «شرق» به مشکلات بسیاری از کودکان، نوجوانان و جامعه ناشنوا و کم‌شنوا در ایران اشاره می‌کند؛ «یکی از مشکلاتی که تمام خانواده‌ها با آن روبه‌رو می‌شوند، مسئله عدم پذیرش مشکل در تشخیص ابتدایی ناشنوایی یا کم‌شنوایی در ابتدای تولد است که والدین را با دغدغه‌های فراوانی روبه‌رو می‌کند. بسیاری از خانواده‌ها بعد از سپری‌کردن مرحله پذیرش، سعی می‌کنند تا بچه را به جامعه عادی برگردانند و به خاطر موفق‌بودن کاشت حلزون در میان برخی بچه‌ها و تأثیر مثبت روی تکلم‌شان، اصرار به انجام کاشت حلزون دارند. بعضی از بچه‌ها که درگیر مشکلات شنوایی خفیف هستند، نمی‌توانند کاندیدای کاشت حلزون باشند و برخی خانواده‌ها هم از نظر اقتصادی توان مالی پرداخت هزینه‌های آن را ندارند که این مسائل هرکدام مشکلاتی را به همراه دارند. با بزرگ‌ترشدن فرزند که یا از سمعک استفاده می‌کند یا پروتز کاشت حلزون شده است، مشکلات همچنان پابرجا بوده و حتی جدی‌تر می‌شود».

مشکلات اقتصادی این خانواده‌ها برای رسیدن به شرایط ایدئال بسیار زیاد است؛ «سمعک و باتری‌های سمعک بسیار گران هستند. بچه‌هایی که مشکل شنوایی خفیف و متوسط دارند، باید از این سمعک‌ها استفاده کنند. هر ورق باتری سمعک وارداتی شش‌عددی حدود ۵۰ هزار تومان است. هزینه استهلاک و تعمیرات سمعک و قطعات آن هم بالا بوده و به خاطر تحریم‌ها و نبود قطعات، سمعک‌ها برای مدت طولانی در مسیر تعمیر می‌ماند و کم‌شنویان را با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌کند. قیمت سمعک درجه پایین از چهار میلیون تومان شروع می‌شود و به قیمت‌های بسیار بالا و سرسام‌آور می‌رسند. سمعک بچه‌هایی که شیطنته دارند یا بیش‌فعال هستند، نیاز به تعمیرات اساسی دارند و ممکن است در طول یک سال به دو سمعک نیاز داشته باشند که خانواده‌ها باید در این زمینه حمایت شوند».

در‌دسر تعمیر قطعات بیرونی پروتز کاشت حلزون

این فعال حوزه ناشنویان درمورد مشکلات مربوط به کاش حلزون در میان خانواده‌ها تأکید می‌کند؛ «سازمان بهزیستی و سازمان آموزش و پرورش استثنائی بخش زیادی از هزینه‌های مربوط به کاشت حلزون را تقبل می‌کند، با این پیش‌شرط که بچه در سن زبان‌آموزی یعنی یک‌سال و نیم، دو سال تا پنج سال باشد. اگر سن بچه از این زمان سپری شود، خانواده باید هزینه‌های کاشت حلزون را به صورت آزاد پرداخت کند که از عهده بسیاری از خانواده‌ها نیز خارج است. مشکلات تحریم قطعات پروتز کاشت حلزون باعث شده تا خانواده‌هایی پشت نوبت و ثبت‌نام کاشت حلزون بمانند و زمان زبان‌آموزی را سپری کنند و دولت بعد از این زمان هزینه‌ها را تقبل نخواهد کرد؛ تعمیرات قطعات بیرونی پروتز کاشت حلزون هم در صورت خرابی، نیاز به تعمیر دارند که تحریم باعث شده خانواده‌ها برای مدت طولانی منتظر باشند که یک قطعه در داخل کشور موجود و کار تعمیرات با تأخیر زیادی انجام شود».

مدیر سابق مدرسه باغچه‌بان با اشاره به وجود اختلاف طبقاتی میان خانواده‌های ناشنویان می‌گوید: «خانواده‌هایی که توان مالی بیشتری دارند، فرزندان را در مدارس استثنائی ثبت‌نام نمی‌کنند و با تقبل هزینه‌های بیشتر، در مدرسه عادی و غیردولتی ثبت‌نام کرده و از معلم‌های خصوصی بهره‌مند



شهردار منتقل می‌کنیم و این‌گونه نیست که برای عدم دخالت در انتصابات نظرات خود را نگوییم.

وی ادامه داد: آنچه در این ایام درباره جابه‌جایی مدیران رخ داده است، از نگاه من معدلش مثبت است و در صحبت کوتاهی که در این زمینه با شهردار تهران داشتم تأکید بر گروه‌شدن این مدیران در یک سال گذشته بود که همان‌طورکه به حوزه اختصاصی خود تسلط پیدا کرده، همکاری تیمی خوبی هم بین مدیران شکل گرفته و این هماهنگی به سرعت‌بخشی به شهروندان کمک می‌کند.

نادعلی ادامه داد: توجه به این هماهنگی و ماندن این تیم در کنار هم بسیار مهم بود و جابه‌جایی هم به این دلیل شکل گرفت. همه دوستانی که به مجموعه اضافه شدند دارای نقاط قوت خوبی هستند و باید برای برداشتن بارهای به‌زمین‌مانده در حوزه شهری تلاش کنند. در حال حاضر مهم‌ترین نیاز شهر تهران توسعه حمل‌ونقل عمومی است و برخی خدمات جزئی در حوزه پسماند که برای مردم مهم است و لازم است با اولویت به آن رسیدگی شود. جابه‌جایی‌ها هنوز در شهرداری ادامه دارد. برخی از احکام سرپرستان سازمان‌های شهرداری مدت‌هاست از مهلت قانونی گذشته و حکم قطعی برای آنها صادر نشده است. برخی از احکام یک‌ساله هم زمانشان به پایان رسیده و به‌زودی موج تازه‌ای از احکام در شهرداری صادر می‌شود.

● عکس: امیرحسین جام‌پزگ آرا

می‌شوند. از سمعک‌های وارداتی گران‌قیمت و پروتزهای باکیفیت استفاده می‌کنند؛ البته تنها ۱۰ درصد از خانواده‌های ناشنویان از وضعیت مالی خوبی برخوردار هستند و مابقی در سطح اقتصادی متوسط و ضعیف جامعه قرار دارند که برای پرداخت هزینه‌های توان‌بخشی مثل گفتاردرمانی یا تربیت شنوایی با مشکلات مالی مواجه هستند».

ناشنویان ومعضل نداشتن اشتغال پایدار

معضل کمبود مدارس ویژه ناشنویان در شهر تهران و شهرهای دیگر معضل مسئله‌ساز دیگری است؛ «تعدادی مدرسه عادی در هر خیابان اصلی جانمایی شده است؛ اما متأسفانه برای بچه‌های ناشنوا و استثنائی، به تعداد کافی مدرسه در نظر گرفته نشده است. در تهران تنها سه مدرسه پسرانه مختص ناشنویان وجود دارد و هر بچه برای رفتن به مرکز شهر و مدرسه باغچه‌بان با وجود در نظر گرفته‌شدن سرویس مدرسه، مشکلاتی برای تردد دارد. هر بچه باید صبح زود بلند شود تا به سرویس مدرسه برسد و مسیر بسیار طولانی را با ترافیک و شلوغی فراوان از شرق یا غرب تهران طی کند که برای آنها و خانواده‌های‌شان بسیار دشوار است».

این فعال حوزه ناشنویان، بی‌کاری و اشتغال را یکی از مشکلات قدیمی ناشنویان و افراد کم‌شنوا عنوان می‌کند؛ «افراد ناشنوا به‌دلیل کمبود فرصت‌های سخت ادامه تحصیل، برای اشتغال و شغل‌یابی با مشکلات زیادی روبه‌رو شده و به سختی وارد بازار کار می‌شوند. به‌عنوان نمونه مدارس استثنائی مطابق قانون، سه درصد از افراد دارای معلولیت را جذب می‌کنند. وقتی معلم ناشنوا یا کم‌شنوایی در مدرسه استثنائی مشغول به کار می‌شود، خانواده‌ها و اولیا به کادر مدرسه اعتراض می‌کنند که ما معلم ناشنوا نمی‌خواهیم و می‌گویند وقتی معلمی خودش این مشکل را دارد، چطور می‌تواند به بچه‌های ما که با ناشنوایی و کم‌شنوایی روبه‌رو هستند، آموزش دهد. این اتفاق و محدودیت تنها در قسمتی از جامعه است و مشکلات مربوط به اشتغال ناشنویان بسیار وسیع است. وقتی ناشنوایی وارد بازار کار می‌شود، بازخورد تمام این اتفاقات و محدودیت‌ها ملموس است».

مدیر مرکز باغچه‌بان از معضلات ناشی از نبود ارتباط ناشنویان و کم‌شنویان با یکدیگر و با افراد عادی می‌گوید: «ناشنویان دختر و پسر از زمان مدرسه تا دانشگاه با همدیگر فاصله دارند و همدیگر را نمی‌شناسند. تنها راه‌اندازی دانشگاه «فرشتگان» در تهران که در آن ناشنویان با یکدیگر تحصیل کرده و افراد عادی هم در این دانشگاه حضور دارند، امتیاز خوبی برای تعامل آنها محسوب می‌شود. به غیر از این دانشگاه، امکان دیگری برای آشنایی ناشنویان با یکدیگر وجود ندارد و خانواده‌ها نگران هستند که فرزند دختر و پسرشان برای شناخت بیشتر پیش از ازدواج، چه شرایطی را تجربه خواهند کرد. انزوا، تنهایی و افسردگی می‌تواند در کمین افراد ناشنوا و کم‌شنوا باشد که به‌ویژه در دوران کرونا بسیار تشدید شد».

به گزارش «شرق»، اگرچه هفته جهانی ناشنویان تمام شده؛ اما خواسته جامعه ناشنویان از رسانه‌ها و فعالان فضای مجازی این است که تمام روزهای سال درمورد مشکلات، مطالبات، نیازها و اخبار حوزه افراد ناشنوا و کم‌شنوا اطلاع‌رسانی شود. با این حال امسال مطابق با تجربیات سال‌های گذشته، قطعی و اختلال اینترنت مشکلات مضاعفی را برای قشر ناشنوا ایجاد کرد که انتظار می‌رود بهزیستی به‌عنوان تنها نهاد موظف به حمایت از افراد دارای معلولیت در کشور در این زمینه تدبیر جدی اندیشیده و همگام با اطلاع‌رسانی رسانه‌ها، صدای این افراد را به گوش مسئولان بالادستی، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان برسانند.



حسام محبوب: سال ۱۸۳۰ بود که اوزن دلاکروا، نقاش فرانسوی، در نامه‌ای به برادرش خبر از آغاز کاری تازه داد: «به سراغ یک موضوع مدرن رفته‌ام. می‌خواهم یک سنگر را نقاشی کنم. من هیچ‌گاه برای وطنم نجنگیده‌ام ولی حالا می‌خواهم این نقاشی را برای وطنم بکشم. نام این نقاشی بزرگ، «آزادی ملت را هدایت می‌کند» خواهد بود. اثر دلاکروا که امروزه به مشهورترین اثر او تبدیل شده، نمایشگر وقایعی است که در روز ۱۴ جولای سال ۱۷۸۹ رخ داد؛ تاریخی که بعدتر به عنوان روز پیروزی انقلاب کبیر فرانسه جشن گرفته شد. در این روز، گروهی از انقلابیون به قلعه قرون‌وسطایی باستی حمله کردند که به زندان تبدیل شده بود. در جریان این رخدادها، زندانیان آزاد شدند و پس از آن آتش انقلاب علیه لونی شانزدهم شعله‌ور شد. هرچند وقایع انقلاب فرانسه تا ۱۰ سال بعد از این تاریخ هم همچنان ادامه داشت و در نهایت با روی کار آمدن ناپلئون بناپارت در سال ۱۸۰۴ به پایان رسید، اما باز هم تاریخ نقاشی دلاکروا ۲۶ سال بعد از فرونشستن موج اول انقلاب فرانسه است. بنا بر نوشته خودش، او با این نقاشی در ابعاد ۳۲۵ در ۲۶۰ سانتی‌متر می‌خواسته دینش را به عنوان هنرمند به مینش ادا کند.

اما آنچه این موضوع را در آن روزگاران در چشم دلاکروا

با نگاهی به آثار مانی مهرزاد

در امتداد ریسمان تاریخ



حسین کنجی

آنتونیو نگری، در کتاب هنر و مالتیتود؛ نه نامه درباره هنر، در نامه چهارم به مانفردو می‌نویسد: «از فوکو تا دلوژ، به ما آموختند که معنای زندگی را در دنبال‌کردن ریسمان تاریخ، و معنای هنر را با شروع از دستمایه‌های کار، از نو بسازیم برای در آنجا بودن –جایی که آنچه می‌کنیم وزن دارد– نه‌تنها مسئولیت‌مان است، بلکه به اندازه توان‌مان ظرفیت سرمایه‌گذاری امید اخلاقی از طریق ذهنیت‌مان است. و امید اخلاقی یک آوای منتشر، یک بوالهوسی روح نیست. یک سلاح است، کنشی خشن و آرزویی بی‌پرواست که به هستی چنگ می‌زند». او به وظیفه‌ای اشاره می‌کند که گویی هنرمند را در صف اول هر تغییرخواهی و هر رؤیابردازی قرار می‌دهد. جایی که در ادامه ریسمان تاریخ است، ولی مربوط به گذشته نیست و از امروز حرف می‌زند؛ یعنی حرف تازه‌ای است که سوار بر اسب بی‌زین و یراق تاریخ پیش از خود، سوار شده و بی‌آنکه در گذشته خود را حل کند، در حال خلق و صورت‌بندی آینده، به پیش می‌تازد. جایی که به قول او هنر، وزن دارد و مخاطب هنر از آن ریسمانی برای ادامه و زنده‌ماندن و امید به دست می‌آورد.

این قاعده‌ای است که هنر امروز ما از آن کمتر برخوردار بوده و در بسیاری از جهات خود را به آن پایبند ندانسته یا ضرورت آن را درک نکرده است؛ یعنی در پی وزن یا به عبارت دیگر معنا نیست یا اگر هم هست، کمتر به آن می‌رسد، در پی آرزو و کشف جهان تازه نیست و اگر هم هست کمتر به آن سمت حرکت کرده است. از گذشته‌اش جز شیفتگی و توقف چیزی نخواسته و به دستمایه‌های امروز و جهان امروز کمتر توجه کرده است که در هر بازه‌ای که این دقت صورت گرفته،

دارای اهمیت جلوه داده بود، اتفاقات در حال وقوع بود؛ آنچه که بعدها به انقلاب جولای مشهور شد. در جریان این انقلاب که در روزهای ۲۸، ۲۹ و ۳۰ جولای سال ۱۸۳۰ رخ داد، شارل دهم از خاندان بوربورن سقوط کرد و لونی فیلیپ از خاندان اورلئان به قدرت رسید. حکومت ۱۸ساله او را معمولا با نام «حکومت ژوئیه» هم می‌شناسند. باین‌حال حکومت او نیز در پی آنچه بهار انقلاب‌ها خوانده می‌شود، در فوریه ۱۸۴۸ سرنگون شد و دومین جمهوری فرانسه بر سر کار آمد. هرچند آن جمهوری هم دوام چندانی نیافت و مجددا در پی وقایع سال ۱۸۷۱ سقوط کرد. اما نقاشی دلاکروا که یکی از برجسته‌ترین و مشهورترین نقاشان قرن ۱۹ فرانسه به حساب می‌آید، کوششی بود تا وقایع سال ۱۸۳۰ را به آنچه در روزهای انقلاب کبیر فرانسه در ۱۷۸۹ رخ داده بود، پیوند برزند. به واقع نقاشی دلاکروا از چند جهت اهمیت داشت؛ این نقاشی با نگاه پرشور و پرهیجانش به یکی از مشهورترین نمونه‌های جریان‌ی در هنر قرن نوزدهم تبدیل شد که رمانتیسم خوانده می‌شود. این نکته علاوه بر مسئله تاریخی یا سبک‌شناسی نشان می‌دهد که شکل‌کار دلاکروا و نوع قلم‌گذاری پرشورش چگونه بعدتر مورد تقلید نقاشان امپرسیونیست قرار گرفت. درعین‌حال این نقاشی از یکی از اصول مورد تأیید آکادمی هنرهای زیبای



آندردوب

یادداشتی درباره هنرو جنبش‌های تاریخی

در کنار انسان‌ها

فرانسه تبعیت می‌کرد؛ «آزادی ملت را هدایت می‌کند» اشاره به یک موضوع تاریخی داشت و از این‌رو جز، موضوعات مورد قبول و پسند آکادمی هنرهای زیبای فرانسه به حساب می‌آمد. ارجاع دلاکروا به انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۸۳۰ نشان می‌داد به باور این نقاش اتفاقات جدید و در حال وقوع ادامه همان مسیری بود که حدود ۴۰ سال قبل رخ داده بود و به فروپاشی سلطنت لونی شانزدهم منجر شد.

در طول قرن ۱۹ نقاشی برای نخستین بار به عنوان ابزاری به کار رفت که دیدگاه‌های اجتماعی و سیاسی نقاشان را بازتاب می‌داد. هرچند نقاشی از دیرباز به عنوان ابزاری برای ثبت اتفاقات تاریخی مورد استفاده قرار گرفته بود، اما در این سده آثار نقاشی نه فقط وقایع روز را ثبت و ضبط می‌کردند، بلکه درعین‌حال نگاه و نظرگاه نقاش را نیز بازتاب می‌دادند. همچنان‌که مثلا پیش‌تر فرانسیسکو گویا با نقاشی بسیار مشهورش، «سوم می سال ۱۸۰۸»، نسبت به اعدام گروهی از غیرنظامیان در طول جنگ پنین‌سولار واکنش نشان داد. در این‌اثر برخلاف نگاه حماسی و پرشور دلاکروا، هنرمند اسپانیایی به سراغ نمایش تلخی و سیاهی خشونت و واقعیت حاصل از آن رفته است. این نقاشی که با عنوان فرعی «اعدام مدافعان مادرید» هم خوانده می‌شود، با غلبه فضای تیره است. جایی که بیرق‌ها، نمودها و نمادها، شعر و کلمه و تصویر، جانداران و اشیای بی‌جان، انسان‌ها و حیوان‌ها، گذشته و حال به نبردی سرخوشانه و رقص‌گونه با یکدیگر مشغول هستند. آثار او تمام مؤلفه‌های درهم‌تنیده انسان شرقی را که در زمان‌ها و مکان‌های مختلف گیر افتاده، دارد. گویی از خوشنویسی تا نقاشی، از مینیاتور تا تصویرسازی، از رئالیسم تا سوررئالیسم بر او اثر گذاشته و به نقاشی او راهی یافته‌اند. مهرزاد از این منظر در آثار خود به تعبیری که نگری می‌گوید،



خبربرگزیده

گزارش آماری صندوق اعتباری هنر

ثبت‌نام ۴۱ هزار هنرمند

بیش از ۴۱ هزار نفر از فعالان فرهنگی و هنری کشور و افراد تحت تکفل برای برخورداری از خدمات بیمه درمان تکمیلی سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲ صندوق اعتباری هنر ثبت‌نام کردند.

به گزارش روابطعمومی صندوق اعتباری هنر، مجموعه صندوق اعتبار هنر با انتشار گزارش آماری از ثبت‌نام ۴۱ هزار فعال فرهنگی هنری در حوزه بیمه درمان تکمیلی خبر داد. در گزارش ارائه‌شده صندوق اعتباری هنر آمده است:

صندوق اعتباری هنر توجه به مسئله سلامت اصحاب فرهنگ و هنر و تأمین آرامش آنها به هنگام بروز بیماری‌ها را وظیفه خود می‌داند. از این‌رو ضمن تأمین و پرداخت بیش از نیمی از حق بیمه اعضا تلاش می‌کند بهترین امکانات درمانی را برای اعضای خود مهیا کند. در قرارداد سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲ پس از بررسی، رعایت ضوابط قانونی و ارزیابی‌های کارشناسی از شرایط و خدمات شرکت‌های بیمه‌گر فعال در سطح کشور و با توجه به رضایت حداکثری اعضا از خدمات بیمه درمان تکمیلی سال ۱۴۰۰-۱۴۰۱ صندوق اعتباری هنر قرارداد بیمه درمان تکمیلی، عمر و حوادث را با شرکت بیمه طرف قرارداد برای دومین سال متوالی منعقد کرد.

این شرکت از قوی‌ترین بیمه‌های فعال در حوزه درمان کشور است که با اکثر بیمارستان‌های معتبر، مراکز آزمایشگاهی، پاراکلینیکی، تصویربرداری و چشم‌پزشکی در تمامی استان‌های کشور طرف قرارداد است.

ثبت‌نام ۷۴ درصد از ثبت‌نام‌کنندگان در طرح آرامش

بیش از ۴۱ هزار نفر از فعالان فرهنگی و هنری کشور و افراد تحت تکفل برای برخورداری از خدمات بیمه درمان تکمیلی سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲ ثبت‌نام کردند که بر این اساس چهار درصد در طرح امید، ۷۴ درصد در طرح آرامش و ۲۲ درصد در طرح رفاه قرار دارند.

صندوق اعتباری هنر با هدف حمایت از هنرمندان کشور، گسترش خدمات بیمه‌ای و کاهش غدغه‌های درمانی فعالان فرهنگی و هنری، بخشی از حق بیمه اعضا و افراد تحت تکفل را متقبل شد.

باوجودافزایش بیش از ۷۵درصدی قیمت‌ها، با تمهیدات انجام‌شده در صندوق اعتباری هنر، تلاش شده مبلغ کمتری از این افزایش به هنرمندان تحمیل و به‌طوربالتکلیف بیش از ۶۰ درصد از حق بیمه درمان تکمیلی باقی‌مانده با پرداخت توسط صندوق اعتباری هنر به بیمه دانا پرداخت شد. در طرح امید هر عضو از مبلغ سالانه ۷۲۰ هزار تومان تنها ۲۱۰ هزار تومان معادل ۲۹ درصد از هزینه حق بیمه را پرداخت می‌کند و ۵۱۰ هزار تومان معادل ۷۱ درصد از هزینه کل توسط صندوق پرداخت می‌شود. در طرح امید جبران هزینه‌های درمان بیمارستانی و اعمال جراحی عمومی، جبران هزینه اعمال جراحی تخصصی، جبران هزینه‌های شیمی‌درمانی و جبران هزینه‌های اعمال جراحی‌های پیوند اعضا بدون سقف در نظر گرفته شده است.



در طرح آرامش هر عضو از مبلغ سالانه دومیلیون و ۴۶۴ هزار تومان تنها ۸۴۵ هزار تومان یعنی معادل ۳۴ درصد از مبلغ کل را پرداخت می‌کند و مابقی یعنی یک‌میلیون و ۶۱۹ هزار تومان معادل ۶۶ درصد را صندوق متقبل شده یاست. در طرح رفاه نیز از مبلغ سالانه سه‌میلیون و ۱۲۰ هزار تومان، صندوق مبلغ یک‌میلیون و ۳۲۵ هزار تومان معادل ۴۲ درصد از مبلغ کل حق بیمه را به عنوان یارانه پرداخت می‌کند.

شایان ذکر است؛ هرساله حق بیمه درمان تکمیلی اعضای که ناتوان در تأمین هزینه ثبت‌نام هستند، توسط صندوق تأمین و پرداخت می‌شود که این تعداد در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بیش از دوهزارو ۵۰۰ نفر بالغ شد.

بیشترین و کمترین آمار ثبت‌نام استانی بیمه درمان تکمیلی

بر اساس آمار ثبت‌نام بیمه درمان تکمیلی اهالی فرهنگ، هنر، رسانه و فعالان قرآن و عترت، بالاترین تعداد ثبت‌نام‌شدگان بیمه درمان تکمیلی در سال ۱۴۰۱ مربوط به دو استان تهران و البرز است.

بر اساس آمارهای موجود از کل متقاضیان بیمه درمان تکمیلی سال ۱۴۰۱، استان «تهران» با سهم بیش از ۵۴ درصد از جمعیت کل، بالاترین سهم را از میان استان‌های کشور به خود اختصاص داده است.

استان‌های البرز، اصفهان، گیلان و خراسان رضوی پس از استان تهران قرار دارند. کمترین آمار ثبت‌نام بیمه درمان تکمیلی به ترتیب مربوط به استان‌های خراسان جنوبی، خراسان شمالی، سیستان‌وبلوچستان، کهگیلویه‌وبویراحمد و هرمزگان است.

پرداخت بیش از ۴۱ میلیارد تومان خسارت مستقیم بیمه درمان تکمیلی

در اجرای قرارداد سال ۱۴۰۰-۱۴۰۱ بیمه درمان تکمیلی با شرکت بیمه طرف قرارداد تاکنون به بیش از ۱۵۲هزارو ۷۸۰ پرونده رسیدگی و بیش ۴۱ میلیارد تومان خسارت پاراکلینیکی، بیمارستانی و دندانپزشکی (به‌جز معرفی‌نامه‌های صادرشده) به بیمه‌شدگان پرداخت شده است. همچنین ۶۵هزارو ۹۳۶ مورد معرفی‌نامه صادر و از این تعداد ۴۱هزارو ۲۴۴ معرفی‌نامه به مبلغ بیش از ۲۹ میلیارد تومان تسویه شده است.

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ •
نمبر: ۸۸۹۲۵۶۷ •
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ •
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ •
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ •
چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۱
۷ ربیع‌الاول ۱۴۴۴
۴ اکتبر ۲۰۲۲
سال بیستم
شماره ۴۳۸۷
۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۳
اذان مغرب ۱۸:۰۲
اذان صبح فردا ۴:۳۹
طلوع آفتاب ۶:۰۲

شرق

دیالوگ روز

هامون - داریوش مهرجویی - ۱۳۶۸

هامون (خسرو شکیبایی): خدایا به معجزه...

برای من هم به معجزه بفرست...

مث ابراهیم. شاید معجزه من به حرکت کوچک بیشتر نباشه.

به چرخش. به جهش. به این طرفی، به اون طرفی...

حقوق خوانی

در ستایش گفت‌وگو



ابراهیم ایوبی
وکیل دادگستری

راه‌حل کوتاه‌مدت توقف فضای خشن و امنیتی چیست؟ پاسخ یک کلمه است: «گفت‌وگو».

افسوس که در دو سطح دولت و ملت اهل مدارا، گفت‌وگو و مذاکره نیستیم. هرگاه کسی دیدگاه ما را به چالش بکشد، با جمله «چرا من را زیر سؤال می‌بری؟» او را به سکوت وادار می‌کنیم، در حالی که زیر سؤال بردن یا همان طرح پرسش هیچ عیبی به حساب نمی‌آید، مگر اینکه ما در باور خود مصمم نباشیم و نگران شویم که نکند طرح سؤال ما را دچار نجوی درونی و درگیری ذهنی درباره درست‌بودن یا نادرست‌بودن رویکردمان کند.

صرف «مذاکره» با طرف مقابل خود را نوعی ناتوانی می‌دانیم یا «سازش» را که نتیجه مفاهیم طرفین اختلاف است –جالب اینکه در نظام حقوقی ما «سازش‌نامه» هم‌سنگ حکم قاضی و قابل اجراست– به عنوان دشنام حواله رقیب می‌کنیم و «سازشکار» در ادبیات سیاسی ما فحش است.

باید در نظر داشت «گفت‌وگو» متفاوت از «گفت و شنود» است؛ در گفت‌وگو دو طرف، هم گوینده و هم شنونده هستند، اما در گفت و شنود یکی می‌گوید و دیگری تنها شنونده حرف‌هاست. بخش از این نوع تعامل ریشه در فرهنگ شفاهی ما دارد. شبکه‌های اجتماعی این فضا را شکست، تولیدکننده مطلب و مخاطب به موضع برابر قرار گرفتند، بیان شفاهی نیز به نوشتار تبدیل شد که هم عمیق‌تر و هم مسئولانه‌تر است.

در حالی که معجزه پیامبر و منبع اصلی تشریع در دین اسلام کلام است و در روایات آمده «نظر الی ما قال ولاتنظر الی من قال» (به گفته توجه کنید نه گوینده) به اقتضای حق آزادی بیان، تک‌تک هشت میلیارد انسان روی زمین حق دارند در تمامی مسائل اظهار نظر کنند، در نهایت این مخاطب است که با سنجه عقل خود سخنی را می‌پذیرد یا رد می‌کند. مگر تا به حال کسی به ورزشکاری که از آرمان مردم فلسطین حمایت می‌کند گفته است که به دلیل عدم تخصص در روابط بین‌الملل حق اظهار نظر نداری؟

طرفه اینکه بدون تخصص در علم سیاست، افراد نباید اظهار نظر سیاسی کنند اما بدون تخصص، در مصدر سمت‌های مهم سیاسی بودن بدون اشکال است! مگر فلاسفه یونان در تقسیم‌بندی‌های خود انسان را «حیوان سیاسی» تعریف نکرده‌اند؟

در سال‌های اخیر پرمخاطب‌ترین برنامه‌های صداوسیما بدون هیچ دلیل و توضیحی تعطیل شده‌اند؛ از جمله «نود»، «کتاب‌باز»، «رادیو هفت».

نخ تسبیح این برنامه‌ها یک کلمه است: «گفت‌وگو». شهرت برنامه نود به صحبت‌های چالشی عادل فردوسی‌پور (که به شبکه کم‌بیننده ورزش تبعید شده است) برمی‌گردد و یکی از اصلی‌ترین اتهامات او انجام گفت‌وگو با محمدجواد طریف درباره دیپلماسی ورزشی است. آرزوی سروش صحت در پایان همه چند صد قسمت برنامه کتاب‌باز که فرهنگ کتاب و کتاب‌خوانی را به جامعه برگرداند، این بود: «آرزو می‌کنیم مردم ایران بیشتر کتاب بخوانند و بیشتر با هم حرف بزنند». در رادیو هفت منصور ضابطیان نشان داد که حتی با کودکان خردسال می‌توان در زمینه‌های مختلف منطقی گفت‌وگو کرد. مهم‌ترین ویژگی شبکه‌های اجتماعی تعاملی‌بودن آنهاست؛ کارکردی که می‌تواند به عالم حقیقی سرایت پیدا کند و امکان مفاهمه را افزایش دهد. یک پیشنهاد برای کاهش تقابل‌ها و رسیدن به حکمرانی مطلوب، برگزاری دوره‌ای نشست خبری آزاد با حضور خبرنگاران توسط مسئولان است. چه اشکالی دارد سران قوا و دیگر مقامات کشوری و لشکری حداقل هر سه ماه یک بار مقابل خبرنگاران حاضر شوند و به پرسش‌های آنان در نشستی که زنده برای عموم مردم پخش می‌شود پاسخ دهند؟ مگر مردم ولی‌نعمت مسئولان نیستند؟ مگر کلمه «مسئول» به معنای فردی که از او «سؤال» می‌شود نیست؟

اگر می‌توانند از موضع خود دفاع و مخاطب را قانع کنند، این گوی و این میدان، وگرنه در روش خود تجدیدنظر کنند.

کاش وقتی در سال ۱۳۸۹ «روز گفت‌وگوی تمدن‌ها» که به همت سیدمحمد خاتمی شکل گرفته بود با ادعای «نداشتن موضوعیت و متولی»!

از تقویم رسمی کشور حذف شد، احساس خطر می‌کردیم. در پایان شرط انصاف است از جناب مراد تقفقی که چند دهه است با راه‌اندازی فصلنامه‌ای با نام «گفت‌وگو» چراغ این توانمندی و مهم‌ترین تفاوت انسان و دیگر حیوانات را روشن نگه داشته است، تقدیر کنیم.

خبرنویسی بر اساس ارزش‌های خبری، خیابان‌های اصلی پایتخت چند ساعتی درگیر این موضوع بود و قاعدتا این خبر، به عنوان مهم‌ترین رویداد روز، باید در صدر اخبار بوده باشد، مگر آنکه خبر داغ‌تری در دست باشد که بر صدر اخبار بنشیند. اخبار ۲۰:۳۰، مثل یک روز عادی پخش شد. خبرها، به لحاظ حرفه‌ای، خبر نبود. صحنه‌هایی از شروع سال تحصیلی و مصاحبه با دانشجویان در مورد حس‌وحالشان از آغاز کلاس‌های درس پخش شد که بیشتر مناسب یک برنامه غیرخبری روز بود تا یک بخش خبری که باید مخاطب را پای تلویزیون میخکوب کند.

ساعت ۹ شب، شبکه یک، اخبار مفصلی پخش کرد و نسبت آن با واقعیتی که به چشم خود دیدم، ناچیز بود. چند بخش خبری دیگر هم عموماً تکرار همان مطالب پیش‌گفته بود. خبر چندانی از تحلیل و تفسیر نبود. مخاطب، تشنه اطلاعات است که بداند چرا ماجرای که فروکش کرده بود، دوباره اوج گرفته؟ حادثه زاهدان چه ارتباطی با وقایع این روزها دارد؟ شایعاتی که از وضع شهرهای دیگر حکایت دارد، آیا درست است؟ آیا تظاهرات در چندین شهر دنیا برای مهسا امینی واقعیت دارد؟

من هیچ‌وقت درگیری‌ها را چنین از نزدیک ندیده بودم و اولین بار بود که چنین صحنه‌هایی را می‌دیدم. اول ناآرامی‌ها، در سفر اربعین کربلا بودم و بعد هم فقط در تلویزیون بخشی از اتفاقات را مشاهده کرده بودم. شب که به خانه آمدم، به عنوان یک کار پژوهشی، بخش‌های خبری را از شبکه‌های مختلف خبری داخلی و خارجی تا ساعت ۱۲ شب، رصد کردم تا ببینم آنچه در تلویزیون می‌گویند، با آنچه که با چشمان خودم از نزدیک شاهدش بودم، چه نسبتی دارد؟ ساعت هشت‌ونیم، شبکه دو تلویزیون خودمان، برنامه خبری داشت. به لحاظ اصول

یادداشت

برنده جایزه نوبل پزشکی مشخص شد



پیش‌گامانه خود، به موضوعی به‌ظاهر غیرممکن دست یافت.

این موضوع، تعیین توالی ژنوم ناندرتال، یکی از خوشایندان منقرض‌شده انسان امروزی بود. همچنین، او کشف هیجان‌انگیزی درباره یک انسان‌تبار ناشناخته به نام «دنیسوا» (Denisova) را انجام داد. نکته مهم این است که پایو دریافت که انتقال ژن از این انسان‌تباران منقرض‌شده به انسان خردمند پس از مهاجرت به خارج از آفریقا در حدود ۷۰ هزار سال پیش رخ داده است. این انتقال باستانی ژن به انسان‌های امروزی، ارتباط فیزیولوژیکی دارد. به‌عنوان مثال، بر نحوه واکنش سیستم ایمنی بدن ما نسبت به عفونت‌ها تأثیر می‌گذارد. تحقیقات اساسی پایو باعث ایجاد یک رشته علمی کاملاً جدید شد. دیرینه‌شناسی اکتشافات او با آشکارکردن تفاوت‌های ژنتیکی که همه انسان‌های زنده را از انسان‌های منقرض‌شده متمایز می‌کند، مبنایی را برای کشف آنچه ما را منحصره‌فرد می‌سازد، فراهم می‌کند.

برنده جایزه نوبل پزشکی سال ۲۰۲۲ می‌گوید اصلاً فکر نمی‌کرده که تحقیقاتش واجد شرایط دریافت جایزه نوبل باشد. همچنین این سایت با او به‌عنوان برنده جایزه نوبل گفت‌وگویی انجام داده است. او اصلاً انتظار چنین جایزه‌ای را نداشته است و می‌گوید: «من داشتم آخرین فنجان چای را می‌نوشیدم تا به دنبال دخترم بروم که پیش پرستارش بود. من تماسی

ایران‌اینترنشنال که بیشترین مخاطب فارسی را جذب کرده، تندتر از بقیه اخبار را پخش می‌کرد. تحلیلگران و مفسران مرتب حرف می‌زدند و تحلیل می‌کردند و جانبداری آشکاری علیه جمهوری اسلامی داشتند و عموماً جانب انصاف و بی‌طرفی را رعایت نمی‌کردند. اصولاً باید طیف مختلفی از موافقان و مخالفان تفسیر کنند تا مخاطب بتواند خود قضاوت کند. بی‌بی‌سی سعی می‌کرد به این هدف نزدیک شود اما موفق نبود و غالباً برنامه‌های خبری این شبکه‌ها، شبیه میتینگ سیاسی یا برنامه‌های حزبی می‌شد.

با وجود اینکه اینترنت محدود و سیستم تبادل خبر به کلی مختل شده اما این شبکه‌های خبری فارسی‌زبان، بدون اختلال جدی به کار خبررسانی مشغول هستند. بخش مهمی از داغ‌ماندن آتش التهابات را می‌توان متاثر از فعالیت جدی همین شبکه‌ها فرض کرد. اینکه در شرایط بی‌اینترنتی، چطور می‌توانند تصاویر و اخبار ناآرامی را از داخل به دست بیاورند، خودش موضوع جذابی برای تحقیق است.

اگر بخواهم قضاوت کنم شوربخانه خبر صداوسیما و این بی‌مبالاتی و مسئولیت‌ناشناسی مستمر، باعث گسیل مخاطب به سمت شبکه‌های خارجی شده و مرجعیت خبری را از کف داخل روده است.

پیشنهاد می‌کنم مسئولان صداوسیما، فقط یک بخش خبری تلویزیون را چند هفته به یکی از روزنامه‌های مستقل داخلی واگذار کنند و ببینند با کار درست، حرفه‌ای و چارچوب‌مند، چه جمعی از مخاطبان افق خبری می‌شوند. رسانه ملی این روزها کمک‌کار دولت نیست. من معتقدم پیمان جبلی کار را خوب بلد است اما اگر بگذارند و اجازه دهند اخبار را حرفه‌ای کند.

✎**مدرس و پژوهشگر ارتباطات و رسانه**



✎ **چهار دانش آموز مدرسه آزادی روستای تارک‌ده استان گیلان با حضور معلم مدرسه روستا سال تحصیلی جدید خود را آغاز کردند. عکس: ابودر حمیدی چیرنده، ایرنا**

زنان

زنان افغان قربانی می‌شوند تا سازمان‌های خیریه پولدار شوند؟

چندی پیش مطلبی برگرفته از فارین‌پالیسی درباره «زنان افغان» منتشر کردیم که نویسنده معتقد بود جهان برای «زنان افغان» وظایف و چارچوب خاصی تعریف کرده است و آنان را فقط به عنوان زنان فقیر، تحت ظلم و مورد تجاوز قرار گرفته، می‌خواهد. همین تفکر سبب شده تا زنان افغانستان نیز برای حضور در مجامع جهانی با همین کلیشه ظاهر شوند و نخواهند قدرت و توانایی خود را بروز دهند. برخی از خوانندگان مخالف این نگرش بودند و برای ما نوشتند که این نوع نگاه به «زنان افغان» سبب می‌شود تا ظلم رواشده به آنان به‌خصوص در یک سال گذشته و در زیر سلطه طالبان، در حاشیه قرار گیرد و زنان در کارزار مبارزه با برده‌داری جدید تنها بمانند. همچنین این مخالفان معتقد بودند این نگاه سبب می‌شود تا تلاش‌ها و اعتراضات زنان در این روزها و در این شرایط سخت که هر حرکت اعتراضی با دستگیری و شکنجه روبه‌رو است، دیده نشود؛ آن‌هم در این روزها که از هر گوشه افغانستان خبر کشته‌شدن و تجاوز به زنان شنیده می‌شود. درعین‌حال زنانی که در افغانستان همچنان مانده‌اند، در تلاش هستند تا هویت و جایگاه خود را به شکلی حفظ کنند حتی بدون کمک جهان.

♦♦♦

این چالش سبب شد تا بار دیگر سراغ جایگاه «زنان افغان» برویم؛ این بار با همان دیدگاهی که در مقاله تشریح شده و از آن به عنوان فرصتی برای تبادلات اقتصادی و مبادلات سیاسی یاد شده بود. سخنان رادا اکبر، هنرمند افغان، در گفت‌وگو با فارین‌پالیسی، در تشریح این رویکرد مؤثر بود؛ چراکه این زن افغانستانی معتقد است: «در سال ۲۰۰۱، آمریکایی‌ها و متحدانشان به افغانستان حمله کردند تا زنان افغان را توانمند کنند و ۲۰ سال بعد، به نظر می‌رسد که ما آن‌قدر قدرت داریم که آنها به حرف‌های ما گوش ندهند. این‌طور نیست که زنان افغانستان نیاز به حمایت جهانی نداشته باشند، مشکل این است که این حمایت به قیمت تحقیر ما و سلب نمایندگی است. در اولین سالگرد دور دوم دوران تاریک در افغانستان، ما زنان افغانستان از جهان درخواست حمایت می‌کنیم. اما اولاً، ما می‌خواهیم که از سوی رهبران جامعه بین‌الملل جایگاه برابری داشته باشیم تا بتوانیم حقوق برابر را از طالبان مطالبه کنیم. تا زمانی که ما قربانی و کالا بشویم، دست‌اندرکاران سیاسی کشورمان به دنبال مبادله ما با منافع سیاسی خودشان خواهند بود».

با جست‌وجویی بیشتر در رسانه‌های مختلف جهان درباره جایگاه «زنان افغان» به نظر می‌رسد تمرکز فعالیت‌های در ۲۰ سال گذشته صرفاً معطوف به مسائل زنان بود و دیدگاه‌های آنها در مورد سایر تحولات اجتماعی-سیاسی و منازعه نادیده گرفته می‌شده است. در واقع در ۲۰ سال گذشته پروژه‌ها بر اساس نیازهای زنان طراحی نشده‌اند، در عوض، نیازهای زنان افغان، بر اساس نیازهای پروژه‌های اهدکنندگان شکل گرفت.

زنان، در پست‌های مدیریت شرکت‌های دولتی و توسعه، سازمان‌های کمک‌کننده و... در سطح افغانستان و بین‌الملل حضور داشتند، اما به نظر می‌رسد اکثر این جایگاه‌ها نمادین بود، بدون اینکه به آنها اختیارات اساسی در تصمیم‌گیری داده شود، و البته این زنان هم شاید به دلیل ترس از دست دادن فرصت‌ها، اعتراضی نمی‌کردند.

در این میان مواردی بوده که اگر زنان افغانستان نقش‌هایی را که برایشان در نظر گرفته شده بود به‌طور کامل بازی نمی‌کردند، عضویت خود را در قبیله «زنان افغان» از دست می‌دهند.

وقتی بیشتر دقیق می‌شویم این بدبینی به وجود می‌آید که انگار قرار است کلیشه «زنان افغان» بازسازی شود تا به «یک دوره جدید خدمت کند». این دوره جدید هم می‌تواند شرکت‌ها باشد و هم طالبان.

این را می‌شود از سخنان یکی از زنان فعال افغانستان، «مینا شریف»، به آسوشیتدپرس نتیجه‌گیری کرد. او گفته است: «روایت زنان افغان باید متناسب با بودجه کشورهای کمک‌کننده باشد. باید به اندازه کافی خشونت علیه زنان در افغانستان رواج داشته باشد، آنها باید برای مدتی تحت ظلم قرار گیرند تا دوباره به یک شرکت برای دریافت بودجه و اختصاص دادن بخشی از بودجه تبدیل شوند».

این واقعیتی کتمان‌نشدنی است که «زنان افغان» در ۲۰ سال گذشته در حال قدرتمندشدن بودند، تحصیل می‌کردند، خانواده‌ها و جوامع را رهبری می‌کردند و در ورزش رقابت می‌کردند. آنها کلیشه «قربانی‌بودن» را می‌شکستند و به دنبال عضویت در «جامعه جهانی زنان قدرتمند» بودند. اما به نظر می‌رسد همین قوی‌شدن به معنای آن بود که درهای سازمان‌های خیریه به روی آنها بسته شود. همچنین جامعه بین‌المللی، مشاغلی را که قبلاً بر آموزش جنسیت تمرکز داشت، باید کاهش می‌دادند. از سوی دیگر سازمان‌ها پروژه‌هایشان را از دست می‌دادند، زیرا نمی‌توانستند برنامه‌ای توانمندسازی برای کمک به زنان افغان را توجیه کنند؛ چراکه این زنان افغان، دیگر نیازی به نجات نداشتند. همان‌طور که در آن مقاله فارین‌پالیسی نیز اشاره شد این روند سبب می‌شد سیاستمداران و صاحب‌منصبان افغان دیگر نتوانند از «زنان افغان» به‌عنوان ابزار چانه‌زنی استفاده کنند، زیرا زنان افغانستان با جایگاه برابر در میز مذاکره در کنار آنها قرار داشتند.

همان‌طور که این مقاله و چند مقاله دیگر نیز اشاره دارند، بعد از تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، دنیا که زمانی می‌خواست زنان افغان را نجات دهد، در سال ۲۰۲۱، در یک روند حیرت‌آور، زنان را به گروهی توربست که حقوق آنها را سلب کرده بود، هیه کرد! آنان هر روز برای حقوق عادی و روزمره خود کشته می‌شوند؛ در کلاس درس، در تظاهرات و...

اکتون بیشتر از یک سال است که این زنان توانمند از رفتن به سر کار، مدرسه یا شرکت در زندگی سیاسی و عمومی منع شده‌اند. باین‌حال، این بار، رهبران خارجی برای نجات زنان افغان فریاد نمی‌زنند و تلاش اندکی انجام می‌دهند؛ حتی زنان سیاستمدار طبق خواسته طالبان با روسری در جلوشان می‌نشینند. هرچند زنان افغانستان، به‌خصوص آنان که در این کشور هنوز باقی مانده‌اند، تمام تلاش خود را می‌کنند تا حقوق خود را حفظ کنند، شاید این بار بدون کمک جهان.

